



آموزشی ابتداری

رشد

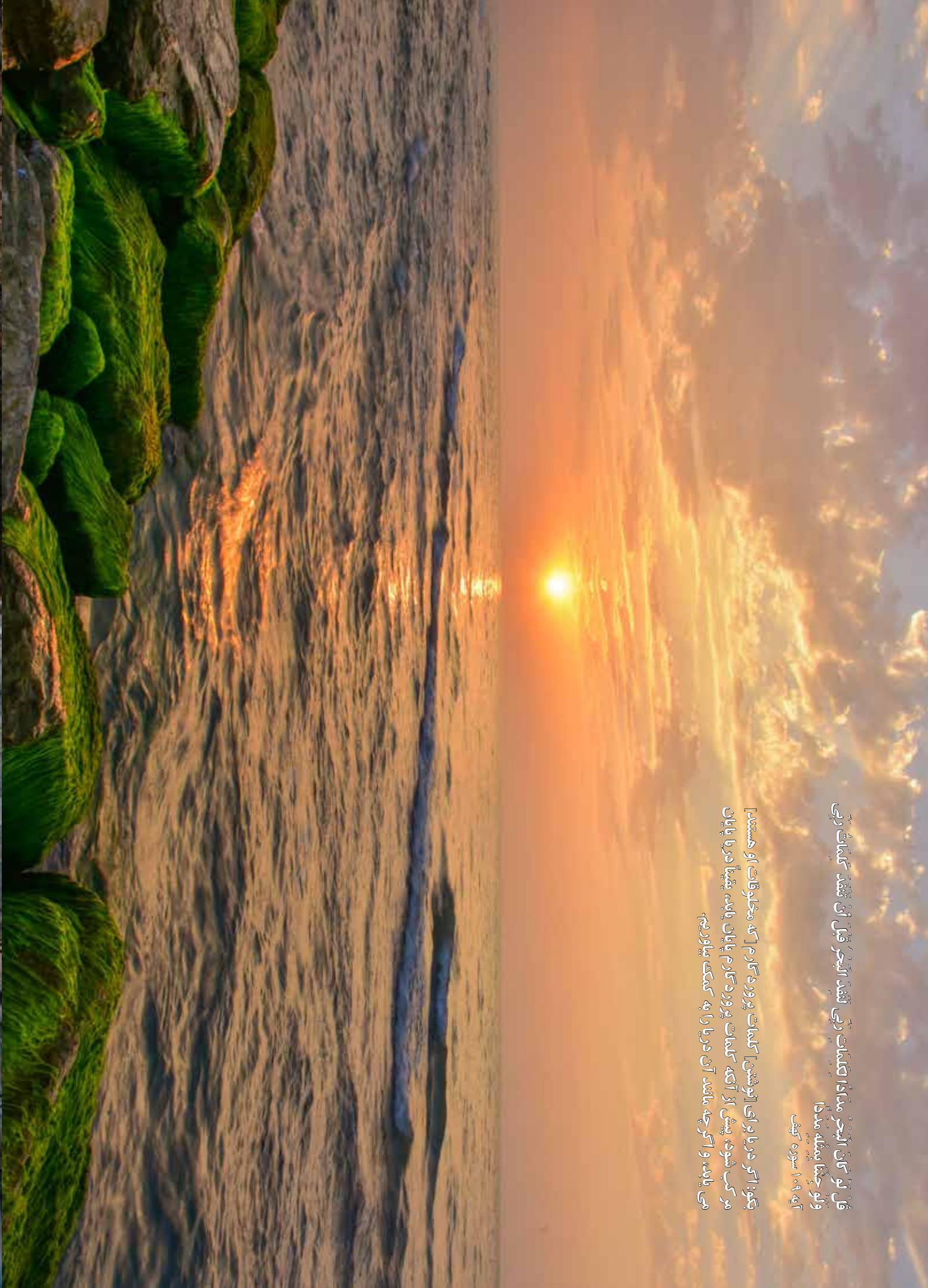
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و توسعه آموزشی
قطر آموزش و مهارت آموزشی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانش‌جو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست‌وششم | مهر ۱۴۰۱ | شماره‌ی بی‌دری ۲۰۶ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir

همه با هم
یک صدا
سلام
معلم

قُلْ لَوْ كَانُ الْبَحْرُ مَدَادًا لَتَحْمَلَتْ رَبِّي أَثْقَالًا
وَلَوْ جُمِعَ بِئِمْلَهُ مَدَدًا
آیه ۱۰۹ - سوره کهف

بگو: اگر دریا برای [نوشیدن] کلمات پروردگار [که مخلوقات او هستند] هر کب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگار پایان یابند، بیجا دریا پایان می یابد، و اگر چه مانند آن دریا را به کمک پیاوریم.



آموزشی ابتدایی

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و ششم | مهر ۱۴۰۱ | شماره‌ی بی‌دری ۲۰۶ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir



خانواده‌ی مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی تربیتی کشور باشد و همه مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه آن را داشته باشند.

قیمت ۷۵۰۰۰ ریال

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



فهرست

- ۲ **باز آمد بوی ماه مهر** | مهدی رضایی
- ۴ **پوی ماه مدرسه** | زهرا نظام‌الدینی
- ۶ **به شیرین‌زبانی و لطف و خوشی** | ام‌لیلا صدقی
- ۸ **رهایی از خودفریبی** | سکینه سلمان‌ماهینی
- ۱۰ **طراحی بازی آموزشی ویژه‌ی دانش‌آموزان مناطق دوزبانه** | مهدی شاهوردی
- ۱۲ **این مینه، آن مینا** | نجمه دانی
- ۱۴ **علل کندخوانی** | محمدحسن بهروزیان
- ۱۶ **داستان خوانی** | شکوفه رنجبر
- ۱۸ **سلام معلم** | محمد چراغی
- ۲۰ **کوچک مشاور** | سارا سلیمی‌نمین، آمنه سلیمی‌نمین
- ۲۲ **اینار در کرونا** | علی اکبری
- ۲۴ **آقای شمس** | مرتضی شمس‌آبادی
- ۲۶ **کلاس‌های چندبایه** | علی پورقیومی
- ۲۸ **طرح درسی** | محمد سبحانی، الهه صبوری‌فر
- ۳۲ **چگونه برخورد با سوالات دانش‌آموزان را مدیریت کنیم؟** | بی‌بی‌طاهره جمال‌الدینی، سعیده‌سادات جمال‌الدینی
- ۳۴ **هسته گولک** | علی اکبری
- ۳۶ **مهر پُر از مهر** | عطیه میری
- ۳۸ **مسئله‌محوری** | علیرضا امیریکانی
- ۳۹ **به بهای مهر** | الهه دیمی
- ۴۰ **کلاس شما هم فرمانده انرژی دارد؟** | زهرا نصیری
- ۴۲ **کارت بازی** | امیر ذوقی
- ۴۴ **سبک زندگی مهرورزان** | مرتضی فاضل
- ۴۶ **مجلات رشد دانش‌آموزی ابتدایی** | محمدرضا رشیدی
- ۴۷ **مهرتان ماندگار** | زهرا نصیری
- ۴۸ **ردای معلمی** | اعظم لاریجانی



استان‌های مشارکت‌کننده در این شماره



اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم



برگه‌ی نظرسنجی



برگه‌ی اشتراک مجله



مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی
سرمدیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: احمدرضا اعلائی، دکتر قاطمه وجدانی، زینت اروچی، نفیسه نجفی قدسی، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارساآزاد

طراح گرافیک: وحید حق‌ی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌رسان شاد: @roshdmag

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱ - ۸۸۸۶۷۳۰۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید:

- با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد.
 - قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
 - در حد ۸۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی - آموزشی باشد.
 - در قالب «ورد» و از طریق پیام‌نگار و راه‌های ارتباطی مجله فرستاده شود.
 - روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.
 - محل قرارگرفتن جدول، شکل و عکس در متن مشخص شود.
 - چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
 - معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود.
 - اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد.
- لازم به ذکر است:
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است.
 - آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست

باز آمد بوی ماه مهر



مهدی رضایی
سر دبیر

مَتّ خدای را عزوجل که طاعتش موجب قُربت است و به شکر اندرش، مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود، مُمدّ حیات است و چون بر می‌آید، مفرّح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. از دست و زبان که بر آید کز عهده‌ی شکرش به در آید

باز هم مهر شد و آغاز سال تحصیلی جدید، با افراد و اتفاقات تازه، باز هم در کنار هم دیدن‌ها، آموختن‌ها، خندیدن‌ها و گریستن‌ها. باز هم آمد بوی ماه مدرسه، بوی بازی‌های راه مدرسه.

الحمدلله با تلاش‌های مردم، به‌ویژه کارکنان محترم درمان، اوضاع کرونا هر چند هنوز ادامه دارد، تا حدودی کنترل و امید برای افزایش حضور بچه‌ها در مدرسه پررنگ شده است. امید است دوباره «بازی کردن»‌ها و «بدوبدو»‌ها شروع شود. دوباره جملات «بچه، بشین سرجات» و «همه‌ی دانش‌آموزان دفتر املاشون رو در بیان» در فضای کلاس طنین‌انداز شود. امیدواریم به فضل خدا به پایان کرونا نزدیک شده باشیم.

امسال تجربه‌ی جدیدی خواهیم داشت. با دانش‌آموزانی روبه‌رو می‌شویم که دو سال گذشته با سختی زیاد و از راه دور آموزش دیده‌اند؛ یکی کم و یکی زیاد، یکی با تلویزیون و یکی با برنامه‌ی

شاد، یکی باکیفیت بیشتر و یکی کمتر! پس باید آماده شویم برای پایه‌ی دومی که هنوز رفتار کودک پایه‌ی اولی دارد و پایه‌ی سومی که کودکی پایه‌ی اول را نیمه‌تمام گذاشته است. باید آماده شویم برای تقاضای فرستادن صوت و فیلم آموزشی، برای آموزش مجدد برپا و برجا، برای گله از حجم تکالیف، برای سختی تغییر مجدد دایره و تنظیم آموزش به فضای ترکیبی، ترکیبی از آموزش حضوری و استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و شبکه‌ی شاد.

مطمئنیم که این مرحله هم با تجربیات، خلاقیت‌ها و نوآوری‌های جدید همراه خواهد بود و خواهیم توانست برگ زیبای دیگری بر دفتر تاریخ آموزش و پرورش ایران ثبت کنیم، همان‌طور که در دو سال همراه با کرونا شاهد بودیم. چه روزگاری سپری شد بر تک‌تک ما وقتی دانش‌آموزان فقط یک اسم در فضای مجازی بودند و چند فایل! وقتی مجبور شدیم محتوای آموزشی را باز تولید کنیم و به انواع گوناگون آموزش متوسل شویم تا شاید بخشی از کاستی‌های آموزش از راه دور جبران شود.

به لطف خداوند، در جای‌جای کشور، همکاران عزیزی داریم که با دغدغه و تلاش مضاعف به دنبال تربیت نسل آینده‌اند؛ پوشش این فعالیت‌ها و نوآوری‌های صورت‌گرفته و البته کمک به ارتقای کیفیت زندگی شخصی و حرفه‌ای این عزیزان از رسالت‌های اصلی ما در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی است. می‌دانیم که روش یادگیری جمعی برای این منظور بسیار مثمرتر است. آموزشی که همگی هم‌زمان، هم در جایگاه آموزش‌دهنده و هم در جایگاه آموزش‌گیرنده حضور دارند. بنابراین از تک‌تک شما همکاران گرامی تقاضا می‌کنیم همانند سال‌های گذشته به ساخت تجربه‌ی یادگیری جمعی کمک کنید و ما با در ارتباط باشید؛ با ارسال نظر، نقد، پیشنهاد، معرفی مدرسه یا معلمی با شاخصه‌ای ویژه، نوشتن مقاله، ارائه‌ی تجربه و ... نشریه متعلق به شماست و همان‌طور که در شماره‌ی اول می‌بینید بستری برای ارائه‌ی محتوای تهیه‌شده از سراسر کشور است؛ از جزایر زیبای خلیج فارس تا مزارع سرسبز شمال و از پهنه‌ی دُرمانند شرق تا کوهستان‌های برفی غرب. از مقالاتی در سطح تحصیلات عالی تا تجربیاتی از یک کلاس درس. ان‌شاءالله در دوره‌ی جدید نیز همانند گذشته مقالات و آموزش‌های گوناگون و البته تجربیات شما همکاران عزیز را خواهیم داشت. تلاش کرده‌ایم تا موضوعاتی محوری برای شماره‌های این دوره برگزینیم و مطالب حول محور آن



«رُشد» شده‌اند. ناگفته پیداست که تولید یک نشریه حاصل تلاش چندین نفر در مدیریت داخلی مجله، تولید محتوا، ویراستاری، صفحه‌آرایی و ... است. این عزیزان بسان اعضای پشت صحنه‌ی یک فیلم سینمایی‌اند که حضورشان همیشگی و مؤثر است؛ ولی دیده نمی‌شوند.

رشد همواره در تلاش بوده که همراه شما باشد، به‌عنوان تسهیل‌گر فعالیت‌های شما، امیدواریم شما نیز نظرات خود را از ما دریغ نفرمایید. منتظر هستیم تا بشنویم از نظر شما جای چه موضوعات و چه مطالبی در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی خالی است؟

موضوعات ارائه شود. در این مسیر نگاهی جدی به روش‌های نوین آموزشی نیز خواهیم داشت.

و از آنجا که «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق»، در پایان وظیفه دارم از شما بزرگوارانی که همیشه با پشتیبانی و همراهی خود باعث دلگرمی ما بوده‌اید تشکر کنم. همچنین قدردان زحمات همه‌ی عزیزانی باشم که نشریه‌ی رشد آموزش ابتدایی را از آغاز گام‌به‌گام پیش برده‌اند، به ویژه سرکار خانم محمودی که در سال تحصیلی پرفراز و نشیب گذشته به‌نیکویی سردبیر این مجله بودند، و البته تمامی همکارانی که در سایر بخش‌ها باعث رُشد

بوی ماه مدرسه

باد پاییزی که شروع می‌کند به وزیدن، شب و روز که تصمیم می‌گیرند دست از مسابقه بردارند و به مساوات برسند، رنگ که پاشیده می‌شود به دامان طبیعت، هنگامه‌ای بر پا می‌شود در میان کوچه‌های این مرزوبوم.

صبح زود صدای جیغ و داد و شور و شوق بچه‌هاست که به گوش می‌رسد. قبل از اینکه خنکای پاییز نخستین گام‌های تغییر را بر چهره‌ی شهر بنشانند، از ولوله‌ی داخل خانه‌ها و کوچه‌ها می‌فهمی که مهر آمده و دارد از سروکول این شهر بالا می‌رود. باز بگوشی می‌کنی، از دیوار هر خانه سرگ می‌کشد. مهر آمده تا جریان زندگی را تغییر دهد، امید بیاورد، آینده بسازد و ازین‌رو پر از نشاط و شادمانی است.

بچه‌هایمان صبح‌به‌صبح تمام آرزوهای رنگی‌رنگی‌شان را بر می‌دارند و به دل مدرسه می‌برند و من گمان می‌کنم پاییز تمام رنگش را از این آرزوها گرفته است.

مهر آمده تا باز مشق آب و نانمان دهد. تا درون کودکان امروزمان مردهای پس از این بسازد و زنانی که زن‌بودنشان را بلد باشند، آمده تا حرف‌به‌حرف درون ذهن دل‌بندانش ادب بکارد و معرفت برداشت کند، صفحه‌به‌صفحه ورق بزند تا صفحات تاریخ بی‌سیاوش و رستم نمانند، آمده تا نته‌بنت زبرویم زندگی را تعلیم دهد و سمفونی زیبای بودن را بیافریند.

بی‌برده می‌گوییم، مهر آمده تا بی‌مهری جایی برای جولان نداشته باشد. بذر امید بکارد و باغ گل برداشت کند، پس سقای علم دست بچنبان! چشمان فرزندان ایران به داستان پرتوان توست و نگاهشان به سرانجام است.



زهرا انظام الدینی

هفته‌ی دفاع مقدس

۳۱ شهریور تا ۶ مهر

مادر است دیگر، یک چیزهایی حس کرده و هرچه می‌کند دست‌ودلش به کار نمی‌رود. سفره‌ی صبحانه را که جمع می‌کند، دختران بزرگ‌ترش را به مدرسه می‌فرستد، اما نگاه او به محمد دوخته شده. می‌خواهد خودش را آرام کند، فرزندش را به آغوش می‌کشد. صورتش لابه‌لای موهای پسرک سیاه‌سوخته‌اش پنهان می‌شود و یک دل سیر از او نفس می‌گیرد، انگار نفسش به نفس‌های محمد گره خورده است. محمد که حالا وسطای پایه سوم است، برای خودش کلی حس مردانگی دارد، کمی خجالت می‌کشد. با تقلای زیاد گره‌ی داستان مادر را باز می‌کند و با جستی خود را بیرون می‌اندازد.

پسرک باز بگوش هنوز مشق‌هایش را تمام نکرده و بالاخره به اصرار مادر به سراغ دفترش می‌رود. دفتر را باز می‌کند. در بالای صفحه با خطی خوانا می‌نویسد: «می‌خواهید در آینده چه کاره شوید؟»

مادر هنوز چند قدمی نرفته است که صدای پسر بلند می‌شود:

– مامان،

– جان مامان

– من می‌تونم، بزرگ که شدم، چند تا

کار داشته باشم؟

– چطور؟

– معلمون گفته می‌خواهید در آینده چه کاره شوید؟ راستش من دلم می‌خواد بزرگ که شدم خلبان بشم، آخه خیلی دوست دارم از آسمون، حیاط خونمون رو تماشا کنم، دوست دارم برم اون بالا بالاها، بعد از اون بالا عباس و علی رو صدا بزنم و بهشون نشون بدم که من چقدر بالا رفتم، اما راستش مامان، من خیلی دلم می‌خواد معلم هم بشم، آخه آقا معلمون رو خیلی دوست دارم.

مامان خنده‌ی ریزی روی صورتش می‌نشیند، وقتی محمد از آینده می‌گوید فراموش می‌کند که یک محله داشتند در دلش رخت می‌شستند. محمد ادامه می‌دهد: «مامان نخند! به‌خدا راست می‌گم! تازه می‌خوام فوتبالیست هم بشم. به نظرت من می‌تونم مثل مارادونا بازی کنم؟»

– من رو به حرف نگیر پسر، یه چیزی بنویس، الان باید بری مدرسه، تازه داری خیال‌پردازی می‌کنی؟

مادر اما درحالی که به طرف آشپزخانه می‌رفت، در خیالش لباس دامادی بر تن پسر می‌کرد و از زیر آینه عبورش می‌داد. ساعت حوالی ۱۲ ظهر است، دلشوره‌های مادر لحظه‌به‌لحظه بیشتر می‌شود، در دلش خداخدا می‌کند که امروز محمد بهانه‌ای بیاورد و مدرسه نرود. در مدرسه

چراغ‌های هدایت

در مسیر پرپیچ‌وخم تعلیم و تربیت، وجود راهبری که راهمان را روشن کند، بیش از هر چیز یاری‌رسان و هموارکننده‌ی مسیر است. وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) در قرآن به‌عنوان اسوه‌ی حسنه معرفی می‌شود. (احزاب/۲۱) اسوه‌ای که مبعوث شده است تا اخلاق و ادب را به کمال برساند و مهربانی را در قلب‌ها نهادینه کند. پیامبری که آمده تا نشانمان دهد خوش‌اخلاقی و رحمت چه نتایجی به بار می‌آورد و چه دنیایی می‌سازد. (آل عمران/۱۵۹) آزادمردی که در صدد است پیام‌آموز دمان چگونه بخشاییم، چگونه در اوج قدرت مشورت کنیم و چگونه تصمیم بگیریم (آل عمران/۱۵۹) عزیزی که رنج شما بر او بسیار گران و بر مؤمنان رحیم و بخشنده است. (توبه/۱۲۸)

اویی که رحمت برای جهانیان است، (انبیاء/۱۰۷) پس از وفاتش نیز امت خویش را رها نمی‌کند. از این رو عترتش را به‌عنوان چراغ‌های هدایت این مردم معرفی می‌کند تا راه بیابند و بیراهه نروند.

مهرماه امسال هم تولد و هم وفات پیامبر اسلام (ص) را در خود دارد و این دلیل خوبی است تا کمی بیش از تاکنونشان شخصیتش را بشناسیم و سیره‌اش را دریابیم. شاید راه از چاه باز شناسیم.

سوم مهرماه علاوه بر رحلت حضرت رسول (ص) دل‌هایمان عزادار امام حسن مجتبی (ع) است.

پنجم مهر نیز داغ امام مهربانی‌ها، امام هشتم شیعیان، بر دل یک ایران می‌نشیند.

سیزدهم مهر ماه مصادف با شهادت امام حسن عسکری (ع) است و روز بیست‌ودوم به ولادت پیامبر اسلام (ص) و امام جعفر صادق (ع) زینت یافته است.

یادآوری این روزها بهانه‌ای است تا اندکی ببندیشیم آیا چنان رفتار می‌کنیم که زبنده‌ی امت پیامبر است؟

باشد که رستگار شویم. (مائده/۳۵)



را که می‌بیند، دستان پسر را بیشتر فشار می‌دهد، محمد دستانش را می‌کشد، اما چیزی درون قلب مادر فریاد می‌زند که امروز دست پسرش را رها نکند. عباس و علی که از حیاط مدرسه محمد را صدا می‌زنند، پسرک دستان خود را رها می‌کند و با سرعت به طرف دوستانش می‌دود. سراسر وجود مادر چشم می‌شود و فرزندش را می‌نگرد، قطره اشکی پشت پایش می‌ریزد تا این خلبان کوچک سالم به زمین بنشیند. این اما آخرین نگاه مادر بود. ساعت پنج بعدازظهر با صدای آژیر قرمز به خودش می‌آید و سراسیمه به سمت مدرسه می‌دود. می‌گویند صدام دو تا مدرسه را با موشک زده است. آوار مدرسه را که می‌بیند، دنیا آوار می‌شود بر سرش.

محمد کوچک در نصف روز به آینده‌اش رسید، الان در بالاترین نقطه‌ی آسمان دارد به توپ گوشه‌ی حیاط خانه‌شان نگاه می‌کند و از آقا معلمش می‌پرسد که اینجا هم می‌تواند مثل مارادونا بازی کند؟

هفته‌ی اول مهرماه بهانه‌ای است تا یاد سینه‌ی سوخته‌ی همه‌ی مادران این سرزمین، پدران در خون غلتیده و آرزوهای به آسمان پر کشیده در قلب هر ایرانی زنده بماند.



به شیرین زبانی و لطف و خوشی

گفت و گو با خلیل ژاله، آموزگار بازنشسته



ام‌لیلا صمدی

خلیل ژاله در سال ۱۳۴۶ در شهرستان لار استان فارس به دنیا آمد. وی معلمی را با مدرک فوق‌دیپلم در رشته‌ی آموزش ابتدایی، از سال ۱۳۶۸، در شهرستان اوز استان فارس آغاز کرد. ژاله همچنین سابقه‌ی حضور در سمت معاونت و مدیریت در مدرسه و راهبر آموزشی شهرستان لار و تدریس در دوره‌های ضمن خدمت معلمان را در کارنامه‌ی ارزشمند خود دارد. وی پس از بازنشستگی، در مهرماه سال ۱۳۹۷، به تدریس در مدرسه‌های غیردولتی پرداخت. در ادامه خلاصه‌ی گفت‌وگوی ما را با خلیل ژاله، آموزگاری که به خوش‌ذوقی و خوش‌رویی شناخته شده است، می‌خوانید.

■ چرا شغل معلمی را انتخاب کرده‌اید؟
از انتخابتان راضی هستید؟
با عشق به معلمی آن را انتخاب کردم. فقط به عنوان یک شغل به آن نگاه نمی‌کنم. بادل و عشق سراغش رفتم و اگر به گذشته برگردم، قطعاً باز هم معلمی را انتخاب می‌کنم. معلمی، عشق است.

■ کار با دانش‌آموزان دوره ابتدایی را چطور می‌بینید؟
من به خاطر لطافت طبع، ظرافت و پاکی و خلوص دانش‌آموزان ابتدایی، به کار در این دوره بسیار علاقه دارم. به کسانی که می‌خواهند وارد این دوره شوند پیشنهاد می‌کنم با مطالعه و تحقیق بیشتر وارد شوند و راهشان را باری به هر جهت انتخاب نکنند. ببینند توانایی‌شان در کجاست؟ گاهی ممکن است فردی نتواند به راحتی با بچه‌های کوچک ارتباط برقرار کند؛ اما می‌تواند معلم خوبی در دوره متوسطه باشد. کار کردن با بچه‌های ابتدایی به عشق و لطافت طبع نیاز دارد. بچه‌ها باید تورا بپذیرند و قبول داشته باشند. اگر بچه‌ها نتوانند با شما ارتباط برقرار کنند و شما از جنس خودشان نبینند، قطعاً کنار گذاشته می‌شوید.

■ چگونه دانش‌آموزانتان را درگیر و با انگیزه نگه می‌دارید؟



۱. برای آشنایی با مرحوم دکتر علی رؤوف کاتب به پیوند (لینک) بالا مراجعه کنید.

تمیزی بود. من این نکات مثبتش را دیدم. وقتی کارشان در مدرسه دیده می‌شد، سعی می‌کردند با من همراه شوند.

■ با توجه به سابقه تدریستان در حوزه ارزشیابی توصیفی، چالش این روش را در چه می‌بینید؟

هنوز بعد از گذشت بیش از پانزده سال از اجرای برنامه‌ی ارزشیابی توصیفی، همکاران ما به تفاوت‌های فردی توجه ندارند و فکر می‌کنند باید بچه‌های هم‌شکل و هم‌سان تحویل جامعه دهند. در حالی که بچه‌ها استعداد‌های متفاوتی دارند و وظیفه‌ی من این است که استعداد، توانایی و نقاط قوت دانش‌آموزم را بشناسم و در مسیر اصلی خودش قرار دهم. اگر توانستم این کار را انجام دهم، موفق هستم. هدف از ارزشیابی گذاشتن متر روی یادگیری دانش‌آموز نیست. ما باید نگرشمان را به اهداف ارزشیابی تغییر دهیم. وظیفه‌ی من معلم این است که راهنما باشم، مشکلات را تشخیص و راهکار دهم. دست دانش‌آموزم را بگیرم و قدم‌به‌قدم به این مسافر یادگیری یاری برسانم.

■ چطور می‌توان در آموزش و پرورش از تجربیات افراد باتجربه‌ای چون شما بیشتر استفاده کرد؟

من بعد از بازنشستگی خودم را کنار نکشیدم. خیلی اوقات با همکاران اداری هر جا که نیاز داشته باشند، همکاری می‌کنم. علاوه بر آن، در مدرسه‌ی غیردولتی نیز از بین همه‌ی کارهای مدرسه، تدریس را برای همکاری انتخاب کردم. ضروری است در آموزش و پرورش اتاق فکر داشته باشیم تا از ظرفیت معلمان باتجربه استفاده شود. از جمله اینکه تجربیاتشان را مکتوب کنند تا از بین نرود. تجربیاتشان را با علم روز ترکیب کنند.

■ شما با چه روشی تجربیاتتان را به فرزندان که به تازگی معلم شده است، منتقل می‌کنید؟

ما در خانه از هم سؤال می‌کنیم که امروز در مدرسه چه اتفاقی افتاد که نظرتان را جلب کرد. من در این موقعیت این کار را انجام دادم. شما اگر جای من بودی، چه کار می‌کردی؟ چه عکس‌عملی نشان می‌دادی؟ در کنار این گفت‌وگوها و سؤال و جواب‌ها، تجربه‌ها دست‌به‌دست می‌شوند.

بردارند، برداشتن قدم‌های بعدی با موفقیت بیشتری خواهد بود.

■ چگونه ارتباطتان را با اولیای دانش‌آموزان تسهیل می‌کنید؟

پای صحبت‌هایشان می‌نشینم و بی‌خیال از کنار حرف‌هایشان رد نمی‌شوم. اگر اولیا احساس کنند ما در کنارشان هستیم و در مقابلشان نیستیم، قطعاً به ما اعتماد می‌کنند و آن ارتباط دلی بین معلم و ولی دانش‌آموز برقرار می‌شود. این اعتماد و دوستی حتماً می‌تواند راهگشا باشد. این جمله از دکتر سنگری را که در کلاس‌های ضمن خدمت از وی شنیده‌ام، همیشه سرلوحه‌ی کارم قرار می‌دهم: «اگر دست قلب کسی را بگیری، احساسش را به تو تقدیم می‌کند».

■ یکی از تجربه‌های رضایت‌بخش‌تان را بر ایمان بگویید.

دانش‌آموزی داشتم که در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵، در پایه اول و پنجم، معلمش بودم. اکنون با همین شاگردم در گروه‌های موسیقی سنتی شهرستان با هم همکاری می‌کنیم و کنار هم حس خوبی داریم.

■ از معلمان تأثیرگذار دوران تحصیلتان، کسی را به یاد دارید؟

من با تعدادی از معلمان دوران ابتدایی خودم هنوز در ارتباطم. سیدهاشم علوی، معلم کلاس دوم، و علی صلح‌جو، معلم کلاس چهارم، بسیار خوش‌اخلاق و مهربان بودند. به ما دانش‌آموزان قوت قلب و اعتمادبه‌نفس می‌دادند. آن زمان که تنبیه دانش‌آموزان مرسوم بود، آن‌ها دست‌به‌تنبیه نبودند. اخلاق و منش خوب این دو معلم موجب شد، بعد از گذشت ۴۵ سال، هنوز در ذهن من جای داشته باشند.

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست/ می‌برد هر جا که خاطر خواه اوست.

■ بهترین روش قدردانی از معلمان را چه می‌دانید؟

به‌منظور قدردانی از معلمان، برای کارشان ارزش قائل شوم، معلمان دیده شوند و احساس ارزشمندی کنند. زمانی که مدیر مدرسه بودم، وقتی با معلمان بی‌انگیزه روبه‌رو می‌شدم، سعی می‌کردم نکات مثبتشان را پیدا کنم. معلمی داشتیم که اهل لچ و لجبازی بود، اما دست‌خط خوبی داشت و معلم

من به این نتیجه رسیده‌ام زمانی که یک معلم وارد کلاس می‌شود، بچه‌ها با همان نگاه اول، معلم را شناسایی می‌کنند و قدرتش را اندازه می‌گیرند. برقراری ارتباط خوب توسط معلم و توجه به توانایی‌های دانش‌آموزان از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر دانش‌آموزان فایده‌ی مطالب درسی را بدانند، باانگیزه و فعال خواهند بود. معلم باید این هنر و تبحر را داشته باشد که مطالب درسی کتاب را با مسائل پیرامونی پیوند بزند و دانش‌آموز در عمل حاصل کارش را ببیند. در کتاب یاد‌دادن برای یادگرفتن دکتر رؤوف^۱ خواندم: «درس خوب معلم از چشمان شاگردانش مشاهده می‌شود؛ اما درس موفقیت‌آمیز معلم از اعمال و رفتار دانش‌آموزانش پدیدار می‌گردد». اگر بچه‌ها بدانند این درس کجای زندگی به دردشان می‌خورد، علاقه نشان می‌دهند. وظیفه‌ی من به عنوان معلم، گفتن نیست، بلکه ما کنجکاوای بچه‌ها را تحریک می‌کنیم، قلقلکشان می‌دهیم و مسیر را برای یادگیری دانش‌آموزان تسهیل می‌کنیم. در این صورت بچه‌ها می‌توانند در مسیر یادگیری فعال باشند.

■ دانش‌آموزان و اولیا و همکاران گذشته، شما را با چه ویژگی خاصی می‌شناسند و توصیف می‌کنند؟

اخلاق خوب و خنده‌رویی. در ارتباطات ما دانش‌آموزان، اولیا و همکاران، دل آن‌ها را به دست می‌آورم. با آن‌ها می‌خندم. با روی گشاده و اخلاق خوب از دانش‌آموزان، اولیا و همکاران استقبال می‌کنم و پیگیر کارهایشان هستم. به شیرین‌زبانی و لطف و خوشی/توانی که پیلی به مویی کشی.

■ از حال و هوای اول مهر بفرمایید که چگونه تدریستان را آغاز می‌کردید؟

سعی می‌کردم محیط شادابی را برای بچه‌ها فراهم کنم. می‌خواستم فضا هم حال‌وهوای خانه و هم حال‌وهوای مدرسه را داشته باشد. به یک‌باره سراغ کتاب و درس نمی‌رفتم. بچه‌ها آزاد بودند در مورد علائق خود حرف بزنند. تلاش می‌کردم، در چند روز اول، علائق و سلیقه‌های بچه‌ها را بشناسم. بینم آن‌ها چه چیزی را دوست دارند و در آن احساس ارزشمندی می‌کنند تا از همان جا شروع کنم. وقتی بچه‌ها احساس موفقیت کنند و بتوانند خودی نشان دهند و اولین قدم را محکم

آموزشی ابتدایی

مهرماه

دوره بیست و ششم شماره ۱ | ۱۴۰۱



رهایی از خودفریبی؛

اولین گام در آموزش مؤثر صداقت



سکینه سلمان ماهینی

دکترای فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه

تربیت مدرس، مدرس و پژوهشگر

در میان فضایل اخلاقی، «صداقت» از بارزترین و پرکاربردترین فضایل در حیطه‌ی روابط فردی و اجتماعی است. این فضیلت خود سرمنشأ فضایل دیگر است.

در باب این مهم سخن بسیار گفته شده است. در آموزش نیز، چه در خانواده و چه در مدرسه، اولین فضیلتی است که به آن توجه می‌شود. یکی از دغدغه‌های اساسی هر پدر و مادر و هر معلمی آموزش راست‌گویی و صداقت به فرزند و دانش‌آموز خود و دوری او از دروغ‌گویی است؛ اما مشاهده دروغ در روابط فردی و اجتماعی که به سبب فراوانی نیازی به اثبات ندارد، نشان‌دهنده‌ی بی‌توفیق بودن این جهدهاست. به‌راستی چرا چنین است؟ و چگونه می‌توان آموزش مؤثری در این زمینه داشت؟

یکی از نکته‌های مغفول در آموزش همه‌ی فضایل، به‌ویژه صداقت، بی‌توجهی به مبنای رفتار درون‌شخصی برای سطوح دیگر رفتار است. امری که توجه به آن ثمرات آموزشی فراوانی به دنبال دارد. می‌دانیم هر رفتاری مبتنی بر دو طرف است. اگر یک طرف (کنشگر) رفتار ارتباطی «خود من» باشد، آن‌گاه طرف دیگر این رفتار ارتباطی بنا بر حصر عقلی، یکی از چهار مورد زیر است:

انسان(های) دیگر اعم از آشنا و غریبه؛ مجموعه امور قدسی (خدا و...؛ محیط زیست اعم از جاندار و بی‌جان یا طبیعی و مصنوعی؛ «خود».

پس همه‌ی حالت‌های رفتاری ما به حصر عقلی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. بین شخصی: رفتار انسان با انسانی دیگر؛
۲. قدسی: رفتار انسان با امور قدسی؛
۳. برون شخصی: رفتار انسان با محیط زیست اعم از جاندار و بی‌جان یا طبیعی و مصنوعی؛

“

**اولین گام در آموزش
صداقت، پیشگیری از
خودفربیی کودکان است.**

**ایجاد رابطه‌ی مهرورزانه،
مهم‌ترین ابزار این
پیشگیری است.**



۴. درون شخصی: رفتار انسان با خود.

در بیشتر مواقع، رفتار با خود مورد غفلت واقع می‌شود. بررسی میزان توجه به این امر در آموزش رسمی مؤید این مسئله است. آنچه غفلت از سطح چهارم رفتار را به‌ویژه در امر آموزش زبان بار می‌کند، نقش مبنایی آن در رفتارهای سطوح سه‌گانه‌ی دیگر است. وقتی به مبنا و پایه‌ی امری بی‌توجهی شود، تمام تلاش در ابعاد دیگر امری سطحی و بی‌پایه خواهد بود؛ مانند بنای بی‌اساس با پی لرزان و در معرض آسیب جدی که در مواجهه با کوچک‌ترین عوامل در معرض آسیب خواهد بود. این امر نقش مهم خود را در فضیلت‌اساسی و زیربنایی صداقت دو چندان نشان می‌دهد.

معنای سخن ما این است؛ وقتی رفتار انسان با خود، زیر بنای رفتار او با دیگران، محیط و حتی خدا باشد، انسان هر گونه که با خود رفتار کند با امور دیگر هم رفتار خواهد کرد. حال اگر به او یاد دهیم با دیگر امور چگونه رفتار کند، در حالی که به او یاد نداده باشیم با خود چگونه رفتار کند، او اگر چه به ظاهر بر اساس آموخته‌ای که ما برایش فراهم کرده‌ایم با دیگران رفتار می‌کند؛ اما در واقع همه رفتار او مطابق با سبک و شیوه‌ی ارتباطش با خود است. شیوه‌ای که خود به خود، ناگزیر و بدون هیچ آموزشی و در نتیجه بدون هیچ چارچوب درستی در او شکل گرفته است؛ چون آموزش برنامه‌ریزی شده‌ی

مستقیم و غیرمستقیمی ندیده است. وقتی فرد صداقت و راست‌گویی به خود را یاد نگرفته باشد، آموزش صداقت با دیگران به او بی‌ثمر، غیر پایدار و بدون نتیجه‌ای بلندمدت خواهد بود. صداقت با دیگران بدون صداقت با خود امری سطحی است که در سر بزنگاه مانند یک ساختمان بانمای زیبا اما بدون پایه با کوچک‌ترین لرزشی فرو خواهد ریخت. وقتی فرد پر از علل و عوامل دروغ‌گویی به خود و خودفربیی است و این علت را در پرتو آموزشی مؤثر شناسایی و حل نکرده است؛ مانند ساختمانی است که در پایه و اساس آن عوامل مخرب فراوانی مثل مین و بمب نهفته‌اند و هر چه ما برای روبرنای این ساختمان زحمت بکشیم و تلاش کنیم با انفجار یکی از این مین‌ها زحمتمان به هدر خواهد رفت. به راستی کدام یک از ما در مورد راست‌گویی به خود آموزش دیده‌ایم؟ آیا عوامل خودفربیی و دروغ‌گویی به خود را می‌شناسیم؟

یافته‌های روان‌شناختی بیان می‌کنند اگر به دلیل مشکلات متعدد رابطه‌ای صمیمی، سالم و مهرورزانه بین کودک

**یکی از اساسی‌ترین راهبردهای اثربخش
در آموزش راست‌گویی و پرورش
صداقت، حل مسئله‌ی خودفربیی و
دروغ‌گویی به خود است.**

و والدین، به‌ویژه مادر، شکل نگیرد، کودک رنج بسیار زیادی می‌برد و چون ظرفیت تحمل این رنج عظیم را ندارد، سعی می‌کند با نادیده گرفتن منشاء این درد از آن فاصله بگیرد. سازوکار فرار از واقعیت به کودک کمک می‌کند فعلاً کمتر رنج ببرد. کودک از واقعیت فاصله می‌گیرد و با ساختن و پرداختن دنیایی خیالی پراز انگاره‌ی نادرست از خود، مادر و امور جاری و جایگزین کردن آن انگاره به جای واقعیت و زندگی کردن در آن دنیای خیالی از رنج فرار می‌کند و لذت بیشتری می‌برد.

این سرآغاز خودفربیی و دروغ‌گویی به خود است. سازوکاری که در بزرگسالی ادامه می‌یابد و فرد برای رهایی از رنج و جلب منفعت، به دوری از واقعیت و ابراز خلاف آن یعنی دروغ روی می‌آورد. یکی از اساسی‌ترین راهبردهای اثربخش در آموزش راست‌گویی و پرورش صداقت، حل مسئله‌ی خودفربیی و دروغ‌گویی به خود است.

به نظر می‌رسد والدین و اولین مراقبان، به‌ویژه مادر و معلمان ابتدایی، باید پیش از هر آموزش مستقیمی به کودکان در باب صداقت، و پیش از آن، با برقراری رابطه‌ی گرم و صمیمی و مهرورزانه که حق طبیعی کودکان است، چنان محیط امن عاطفی برای کودک ایجاد کنند که مانع فرار او از واقعیت شود.

آیندازی

مهرماه

دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱۴۰۱

۹

طراحی بازی آموزشی ویژه دانش آموزان مناطق دوزبانه

بازی آموزشی کلمه یاب ویژه ی درس فارسی

مهدی شاهوردی، آموزگار

دبستان زنده یاد محسن

خشخاشی، استان لرستان،

شهرستان بروجرد



آموزش کودکان دوزبانه یکی از مشکلات نظام آموزشی در ایران است. زبان اول کودک بخشی از هویت شخصی، اجتماعی و فرهنگی او را تشکیل می‌دهد؛ اما بر اساس آنچه اصل ۱۵ قانون اساسی بر آن تأکید دارد، زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است و همین لزوم آموزش زبان فارسی را به کودکان دوزبانه قوت می‌بخشد.

یکی از راهکارهای اساسی در این زمینه شیوهی آواورزی و الفباورزی است و بهترین فرصت شروع به این کار دوره‌ی پیش دبستانی و قبل از آن است.

تلویزیون و کارتون ابزار بسیار مهمی در تقویت زبان فارسی برای کودکان دوزبانه است، همچنین پخش فیلم‌های علمی آموزشی و جذاب در مدارس، در ساعاتی که فرصت هست، نیز در این زمینه کمک شایانی می‌کند.

آموزش به کودکان دوزبانه تلاش و زحمت زیادی برای معلم دارد. در گام اول معلم باید به زبان و گویش دانش آموزان آگاهی داشته باشد و بتواند به آن زبان صحبت کند و منظور دانش آموزان را متوجه شود.

دانش آموزی که با هزار ذوق و امید و آرزو و رؤیا پا به مدرسه می‌نهد، ولی دوزبانه است، در بدو ورود، با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. گاهی پیش می‌آید نمی‌تواند با معلم یا دوستان خود ارتباط برقرار کند. گاهی پیش

می‌آید مطالب کتاب درسی را نمی‌فهمد و تمام این‌ها موجب انزوای دانش آموز و افت تحصیلی او می‌شود.

ما معلم‌ها وظیفه داریم، حتی اگر یک دانش آموز دوزبانه در کلاس داشته باشیم، او را رها نکنیم و نگذاریم با افسردگی، اضطراب، دلپره و انزوا روبه‌رو شود. یکی از بهترین روش‌ها استفاده از نمادهاست.

آموزش اگر به صورت شنیداری، دیداری و استفاده از نماد باشد، بهترین نتیجه را خواهد داد. بنابراین آواخوانی به تنهایی نمی‌تواند روش تدریس چندان مؤثری باشد. پس بهتر است بچه‌ها هم بشنوند، هم ببینند و هم از ابزار استفاده کنند. خوب است معلم ابتدا مطالب کتاب درسی را به زبان بومی به دانش آموز دوزبانه آموزش دهد و سپس برای تطبیق از زبان فارسی استفاده کند. به نظر می‌رسد استفاده از نماد و طراحی بازی آموزشی برای درس فارسی به منظور استفاده‌ی دانش آموزان دوزبانه در این زمینه مفید خواهد بود.

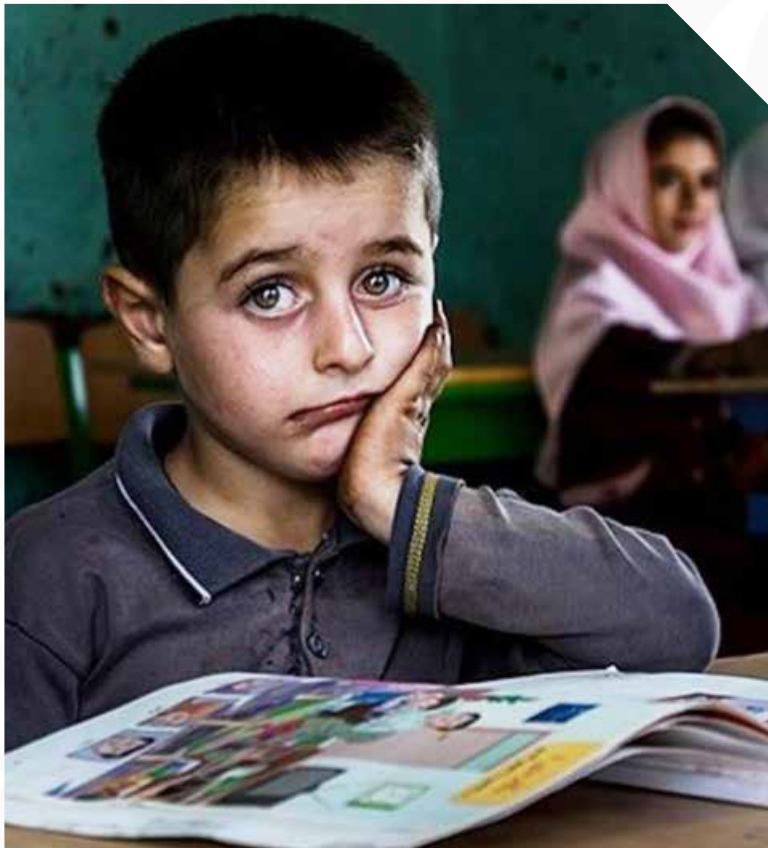
نام طرح: بازی «کلمه یاب» ویژه ی درس فارسی دانش آموزان دوزبانه

اهداف:

۱. تقویت زبان ملی و آموزش زبان رسمی و معیار فارسی کشور به دانش آموزان دوزبانه؛
۲. ایجاد روحیه‌ی نشاط و انگیزه در دانش آموزان دوزبانه؛
۳. ارتباط مؤثر معلم و دانش آموز به صورت انگیزشی؛
۴. یادگیری بهتر درس فارسی و کلمات فارسی؛
۵. تثبیت آموزش؛
۶. پیشگیری از منزوی شدن دانش آموز دوزبانه؛
۷. پیشگیری از افت تحصیلی دانش آموزان دوزبانه.

توضیح بازی و شیوهی اجرای آن

روی مقوایی بزرگ کلماتی را که در کتاب فارسی وجود دارد، به زبان لکی می‌نویسیم و نماد یا عکس آن کلمه را هم در کنار کلمه‌ای که به لکی نوشته شده است قرار می‌دهیم. در مرحله‌ی بعد کارت‌هایی را آماده می‌کنیم و روی آن معادل کلمه‌ی لکی را به زبان فارسی می‌نویسیم.



بعد از آماده‌شدن کارت‌ها و صفحه‌ی مقوایی بزرگ دانش‌آموزانی را که دوزبانه‌اند آماده و برای اجرای بازی اقدام می‌کنیم. به بچه‌ها به‌وسیله‌ی این بازی فرصت تکرار و تثبیت یادگیری را می‌دهیم. دانش‌آموز به صفحه‌ی مقوایی نگاه می‌کند و از میان کارت‌ها، کلمه‌ی معادل لکی را پیدا می‌کند و آن را در خانه‌ی مخصوص خود قرار می‌دهد. این روش یک شیوه‌ی بسیار جالب و انگیزشی در یادگیری زبان فارسی معیار برای دانش‌آموزان دوزبانه است و ما می‌توانیم کلمات زیادی را به این شیوه به همراه املاي آن‌ها در درس فارسی به دانش‌آموز آموزش دهیم.

نتیجه‌ی بازی

در طی این بازی، دانش‌آموز بانشاط و انگیزه کلمات را یاد می‌گیرد و درس را نیز به‌خوبی می‌آموزد.

این روش فقط مختص بچه‌های لک‌زبان یا لرستان نیست. آن را می‌توان در تمام مناطقی که دانش‌آموز دوزبانه دارند، اجرا کرد و از نتایج آن بهره‌مند شد. امیدوارم برای شما نیز مفید باشد.

آموزشی
ابتدایی

مهرماه

دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱ | ۱۴۰۱



این مینا، آن مینا

استرس روز اولی‌ها

بروند و آموزش‌های اولیه و در حد خودشان را بیاموزند. آموزش‌هایی مثل سلام کردن، برخورد با دیگران، قانون و نظم، شناخت رنگ‌ها، مشاغل و آموزش کاربردی دیگری که می‌تواند دانش‌آموز را برای پایه اول آماده کند. اگر بچه‌ای پیش‌دبستانی نرفته باشد، اغلب در روزهای اول استرس، ترس و نگرانی و شاید هم ذوق و هیجان دارد.

پارسال هنگام ثبت‌نام دخترچه‌ای به نام مینا با مادرش به مدرسه‌ی ما آمدند. دخترک ترس داشت و خودش را پشت مادر پنهان می‌کرد. به کتابخانه رفتم و از قسمت اسباب‌بازی‌ها، یک اسباب‌بازی در سطح پیش‌دبستانی به او دادم و گفتم: «با این بازی کن، بعداً برایم بیاور.» دخترک کمی ترسش ریخت و با دودلی اسباب‌بازی را از من

تجربه‌ی شیرین و شاید هم تلخ و ترش را با خود داشته‌ایم. اولین برخورد معلم و اولیای مدرسه، اولین برخورد با دوستان. همه‌ی این اولین‌ها می‌رود سرنوشت سال‌های آینده‌ی ما رقم بزند. برای اینکه دانش‌آموزان بیشتر با محیط مدرسه و کلاس آشنا شوند، چه خوب است که به پیش‌دبستانی

نجمه دائمی

مدیر آموزگار مدرسه ۲۲ بهمن

روستای چوپلاتی استان گلستان



روزهای اول مدرسه برای کلاس اولی‌ها روزهای پرخاطره و پرجنب‌وجوشی است. خاطره‌ی آن روزها تا صد سال در ذهن آدمی باقی می‌ماند. همه‌ی ما این



عکس تزئینی است



عکس تزئینی است

کلاس اول من دیگر نمی‌دانست چه کار کند و می‌گفت این تمام کلاس را به هم ریخته است. به پدر و مادر مینا زنگ زدیم و این بار پدرش آمد. نمی‌دانم دم گوش مینا با مهربانی چه گفت که بچه ساکت شد. البته من احساس کردم از پدر حساب می‌برد و حرفش را می‌خواند و می‌خرد. خلاصه این آخرین روز گریه‌ی مینا بود. این دختر روزهای بعد دل به کلاس و درس و مدرسه و دوستان و معلمش داد و شد شاگرد زرنگ کلاس و معلمش بسیار از او راضی بود.

چه بود در کلام پدر که دل مینا آرام شد؟ شاید این رازی باشد از جنس عاطفه‌ی پدر-دختری.

تجربه‌ی مدیریتی من می‌گوید باید به چنین دانش‌آموزانی فرصت داد. همچنین باید در این زمینه مطالعاتی داشته باشیم تا بدانیم در مورد این بچه‌ها چه رفتاری نشان دهیم. روش‌های مختلفی که در این مورد توصیه می‌شود خوب است؛ ولی کاری که پدر مینا کرد از عهده‌ی من و معلمش و چند روان‌شناس دیگر هم خارج بود؛ به هر حال من هم هیچ وقت از مینا نپرسیدم پدرت چه گفت، از پدرش هم سؤالی نکردم. هر چه بود، دیگر بین این مینا تا آن مینا خیلی فرق بود!

گرفت. یک کتاب داستان سبک‌تر هم به او دادم و گفتم نقاشی‌هایش را نگاه کند. از مادرش هم خواستم کتاب را برای مینا بخواند. مادر کیانا می‌گفت: «از ترس کرونا بچه را پیش دبستانی نفرستاده و به‌خاطر همین غریبی می‌کند و با غریبه‌ها جور نیست.»

آن روز گذشت و جشن شکوفه‌ها رسید؛ اما مینا و مادرش نتوانستند در جشن شرکت کنند. روز بعد مینا اولین دانش‌آموزی بود که به مدرسه آمد. مدرسه‌ی ما چون زیر پنجاه نفر دانش‌آموز داشت، در ایام کرونا، به‌صورت گروه‌بندی و حضوری تشکیل می‌شد. مادر، مینا را در کلاس گذاشت و می‌خواست برود که دختر شروع به گریه کرد. پاهایش را به زمین می‌کوبید و حالا گریه کن، کی نکن. هر چه خانم معلم با مهربانی با او حرف زد، نشد که نشد. مادر کلافه شده بود. من به مادرش گفتم: «چند دقیقه در کلاس بنشین، بلکه آرام شود.» اما فایده‌ای نداشت. این قصه روزهای بعد هم ادامه پیدا کرد. از طرف دیگر مادر مینا که چند بچه‌ی کوچک دیگر هم داشت، هوش و حواسش به خانه پر می‌کشید. یک روز که مادر مجبور شد برود، مینا مدرسه را روی سرش گذاشت. معلم



علل کندخوانی

و روش‌های اصلاح آن در دوره‌ی ابتدایی



محمدحسین بهروزیان
مدرس دانشگاه فرهنگیان

خواندن، مهم‌ترین مرحله در مهارت‌های زبان‌آموزی محسوب می‌شود؛ چون هیچ درسی نیست که به میزان مهارت خواندن دانش‌آموزان وابسته نباشد. بخش زیادی از اطلاعات ما در زندگی از طریق این مهارت به دست می‌آید و در اهمیت آن همین نکته کافی است که اولین کلام خداوند متعال خطاب به حضرت رسول اکرم (ص) امر به خواندن (إقرأ) بوده است.

اما مهارت خواندن، با همه‌ی اهمیت و ضرورتی که در زندگی بشر دارد، مانند سخن گفتن و گوش دادن نیست که از راه‌های طبیعی و بدون آموزش یاد گرفته شود، بلکه نیاز به برنامه‌ی آموزشی، روش تدریس، ابزارهای مناسب و معلم دلسوز و ماهر دارد. آن هم معلمی که با مسائلی مانند چابستی یا ماهیت خواندن و ابعاد گوناگون مهارت خواندن، به‌عنوان یک فرایند، آشنا باشد.

بنابراین بهبود و پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان از وظایف اصلی نظام آموزشی کشور است. ارتقای این مهارت باید یکی از نتایج و پیام‌های قطعی نظام آموزشی باشد، طوری که دیگر نیازی به برنامه‌های

را شناسایی و رفع کرد و بعد از آن، مشکل خواندن را مرتفع کرد. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از: ادراک دیداری، ادراک شنیداری، حافظه‌ی دیداری، حافظه‌ی شنیداری و دقت. از بین عوامل یادشده توانایی تفکیک بصری که مربوط به ادراک دیداری است، از مهم‌ترین ضروریات خواندن به شمار می‌آید.

چنانچه دانش‌آموزی از یک یا چند نمونه از موارد یادشده رنج می‌برد، پیش از آنکه تحت آموزش مهارت خواندن قرار گیرد، باید بتوانیم مشکلات او را شناسایی و سپس آن‌ها را برطرف کنیم. لذا می‌توان گفت یکی از اهداف معلم آماده‌سازی دانش‌آموزان در فن خواندن است.

تعریف و علل کندخوانی

به مکتب بیش از سه ثانیه روی کلمه کندخوانی می‌گویند. رفتارهایی که در ادامه بیان می‌شوند، دلیل بر کندخوانی و از عوامل بازدارنده‌ی تندخوانی‌اند:

۱. حرف به حرف خوانی

در گذشته در پایه‌ی اول ابتدایی، از روش تحلیلی برای آموزش خواندن استفاده می‌شد. در این روش برای خواندن کلمه ابتدا آن را بخش می‌کردند، سپس صداهای هر بخش را می‌گفتند و بعد از آن، کلمه را می‌خواندند. این روش باعث می‌شد دانش‌آموز کلمه را حرف به حرف بیاموزد و در نتیجه حرف به حرف بخواند که خود موجب کندخوانی می‌شد؛ ولی اکنون در کلاس اول از روش کل خوانی استفاده می‌شود. در این روش دانش‌آموز با کمک تصویر با شکل کلی کلمه آشنا می‌شود و آن را به خاطر می‌سپارد و در کتاب نگارش (بنویسیم یا کتاب کار) حروف هر کلمه را

تکمیلی برای بهبود سواد خواندن دانش‌آموزان نداشته باشیم.

باید دانست نگرش مثبت دانش‌آموزان به خواندن و میزان توانایی آنان در این مهارت رابطه‌ی مستقیمی با یکدیگر دارند. همچنین نگرش والدین بچه‌هایی که از نظر سواد خواندن در سطح بالاتری هستند، به مطالعه مثبت و متوسط میزان مطالعه‌ی آن‌ها پذیرفتنی است. به همان اندازه که تندخوانی باعث ایجاد نگرش مثبت به مطالعه می‌شود، کندخوانی نیز می‌تواند انگیزه‌ی مطالعه را کاهش دهد. شاید یکی از دلایل شایع که ایرانیان با سواد تنها سه دقیقه در روز مطالعه می‌کنند این باشد که همیشه به ما گفته‌اند بخوانید؛ ولی هیچ‌وقت نگفته‌اند چگونه بخوانید که سریع‌تر و بهتر یاد بگیرید، برای مدت بیشتری آن اطلاعات را نگه دارید و راحت‌تر به یاد بیاورید. کندخوانی، به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی، یکی از مهم‌ترین مشکلات خواندن است که دلایلی را برای آن بر شمرده‌اند. در این نوشتار به بررسی این موضوعات می‌پردازیم:

الف) چه رفتارهایی باعث کندخوانی می‌شود؟
ب) چه رفتارهایی از تندخوانی جلوگیری می‌کند؟

برای کمک به کودکانی که در خواندن مشکل دارد، ابتدا باید فرایندهای ایجاد این مشکل



می‌آموزد. از مزایای این روش آن است که از حرف به حرف خوانی جلوگیری می‌شود.

۲. کلمه به کلمه خوانی

کلمه‌خوانی هم سرعت مطالعه را کم می‌کند و هم درک را پایین می‌آورد. اگر کلمه‌خوانی تبدیل به جمله‌خوانی یا عبارت‌خوانی شود، نه تنها سرعت خواندن بالا می‌رود، بلکه درک مطالب نیز بیشتر می‌شود. برای این منظور متن درس‌های کتاب فارسی اول ابتدایی آهنگین انتخاب شده‌اند تا دانش‌آموز، با توجه به رعایت آهنگ، متن را عبارت‌خوانی کند. این روش آموزش باعث می‌شود از کلمه به کلمه خوانی جلوگیری شود.

در پایه‌های بالاتر می‌توان ترکیب‌ها و کلمه‌هایی را که با هم در ارتباطند، در یک پیرواند (کادر) قرار داد تا با نگاه یک پارچه به آن، دانش‌آموز تشویق شود متن را عبارت‌خوانی یا جمله‌خوانی کند. این روش مانع از کلمه به کلمه خوانی می‌شود.

۳. بلندخوانی

بلندخوانی یا خواندن با صدا باعث کندخوانی می‌شود؛ زیرا نظام گفتاری ما برای افزایش سرعت محدودیت دارد. اگر بلندخوانی به صامت‌خوانی یا همان چشم‌خوانی تبدیل شود، هم سرعت خواندن بالا می‌رود و هم درک مطلب بیشتر می‌شود. به همین دلیل یکی از اهداف مهارت خواندن در دوره ابتدایی توانایی صامت‌خوانی متن درس‌های فارسی است. معلمان دوره ابتدایی باید به این مهم توجه کافی داشته باشند تا دانش‌آموزان، از همان ابتدا، خود را به روش صامت‌خوانی عادت دهند.

۴. درون‌خوانی یا لب‌خوانی

چهارمین علت کندخوانی، درون‌خوانی یا لب‌خوانی است. اگر به جای آن از روش صامت‌خوانی یعنی خواندن بدون حرکت لب‌ها که همان چشم‌خوانی است استفاده شود، سرعت خواندن و در نتیجه درک مطلب بیشتر می‌شود.

۵. برگشت غیرارادی چشم به عقب

گاهی اوقات چشم ناخودآگاه بر می‌گردد و چند کلمه عقب‌تر را نگاه می‌کند. این امر پنجمین علت کندخوانی محسوب می‌شود. راه چاره‌ی این مشکل خطربردن زیر جملات با انگشت است، البته این روش برای اوایل کار است. بعدها زمانی که دانش‌آموزان به خواندن با سرعت کافی مهارت پیدا کردند، نیازی به این کار نیست؛ چون ادامه‌ی آن، خود باعث کندخوانی می‌شود.

۶. سرگردانی چشم بین خطوط

ششمین دلیل کندخوانی سرگردانی چشم بین خطوط است که یا خط موردنظر را گم می‌کنیم یا خط تکراری خوانده می‌شود یا چشم به یک خط بالاتر یا پایین‌تر نگاه می‌کند. برای رفع این مشکل مانند مرحله‌ی پنجم می‌توان از حرکت انگشت زیر کلمات و خط‌ها استفاده کرد. این امر باعث افزایش یادگیری و سرعت تمرکز می‌شود.

۷. مکث طولانی چشم روی کلمات

چشم تقریباً یک‌چهارم ثانیه روی هر کلمه مکث می‌کند؛ یعنی در هر ثانیه چهار کلمه و در هر دقیقه ۲۴۰ کلمه. علت این مشکل اشکال در شش مرحله‌ی قبلی است.

لذا برای رفع آن ناچار باید مراحل قبلی به‌درستی دنبال شود. یکی از دلایلی که بعضی از افراد هنگام مطالعه خواب به سراغشان می‌آید، همین امر یعنی مکث طولانی چشم روی کلمه است.

۸. محدودیت حوزه دید

هشتمین علت کندخوانی محدودیت حوزه دید است. به این معنی که در حالت عادی هنگام مطالعه تعداد کمی کلمه می‌توان دید. اگر این محدوده وسیع‌تر شود، تعداد کلمات بیشتری دیده می‌شوند و این امر باعث سرعت در خواندن می‌شود. این توانایی ارزش حیاتی دارد. از ضروریات خواندن و بسیار تأثیرگذار است. در کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی تمرین «بگرد و پیدا کن» یکی از تمرین‌های مناسب برای تقویت این توانایی است؛ لذا همکاران دوره‌ی ابتدایی باید در انجام این فعالیت اهتمام کافی داشته باشند.

برای افزایش حوزه دید می‌توانید در ابتدا کلماتی را کنار هم با فاصله بنویسید و به آن‌ها نگاه کنید. بعد کم‌کم فاصله‌ی کلمات را افزایش دهید تا به‌مرور و با تکرار این تمرین حوزه دیدتان افزایش یابد. در این تمرین چشم به یک نقطه ثابت نگاه می‌کند، و بدون هر حرکتی، کلمات سمت چپ و راست آن نقطه را می‌بیند. این افزایش حوزه دید نه تنها در مهارت خواندن مؤثر است که در خیلی از موارد دیگر نیز استفاده می‌شود؛ مثلاً برای خلبانان این امر بسیار حیاتی است؛ چون هنگام هدایت هواپیما، در یک لحظه، باید ده‌ها عقربه را ببینند و کنترل کنند. مشاغل دیگری نیز هستند که در آن‌ها گسترش حوزه دید یک ضرورت حتمی است.

داستان خوانی...

چگونه توانستیم مهارت‌های اجتماعی را به دانش‌آموزان در دوره‌ی کرونا با داستان خوانی به درستی آموزش دهیم؟

شکوفه رنجبر، معاون آموزشی مدرسه
شکوفه‌های انقلاب جزیره قشم

حضور در مدرسه پس از شیوع ویروس کرونا، از اول اسفندماه سال ۱۳۹۸، رسماً تعطیل شد و آموزش و یادگیری در قالب‌های کوچک تلفن همراه، به‌دور از هیاهوی دانش‌آموزان با هم‌کلاسی‌های خود، تداوم یافت. راه‌اندازی مدرسه‌ی تلویزیونی اولین اقدام آموزش و پرورش پس از این اتفاق بود؛ اما با توجه به تعاملی نبودن این نوع آموزش و اندک‌بودن زمان تدریس نمی‌توانست پاسخ‌گوی نیازهای دانش‌آموزان باشد. بنابراین شبکه‌ی شاد، در فروردین ماه سال ۱۳۹۹، به‌عنوان تنها بستر رسمی آموزشی

کشور به‌منظور فراهم کردن محیطی ایمن برای دانش‌آموزان راه‌اندازی و به مدرسه‌ی همراه دانش‌آموزان تبدیل شد. با وجود تمام این زحمات، به اعتقاد کارشناسان و مسئولان آموزش و پرورش آموزش مجازی نتوانست جایگزین آموزش حضوری شود. از این‌رو، در این همه‌گیری و تعطیلی مدرسه‌ها صدمات بسیاری در حوزه‌های آموزشی، جسمی، عاطفی، اجتماعی و پرورشی به دانش‌آموزان وارد شده است.

بازگشایی مدارس و حضور دانش‌آموزان، از ۱۴ فروردین ماه، در کلاس‌های درس تصمیم ستاد ملی کرونا در کشور بود. این بازگشت به مدرسه برای بسیاری از دانش‌آموزان نه‌تنها خوشایند بلکه سرشار از هیجان بود؛ اما برخی دیگر به‌دلیل دوری طولانی مدت از مدرسه

احساس اضطراب یا ترس می‌کردند. شرکت در فعالیت‌ها و مسابقات گروهی و انفرادی همواره نقش مؤثری در تقویت باورها و مهارت‌افزایی و رشد شخصیتی دانش‌آموزان دارد. استفاده‌ی بیش از حد از تلفن همراه و بودن در فضای مجازی و معاشرت‌نداشتن با دوستان و خویشاوندان خودکنترلی و تمرکز دانش‌آموزان را تحت‌الشعاع قرار داده و منجر به نداشتن ارتباط مطلوب با دیگران شده است. در دوران پساکرونا و حضور مجدد دانش‌آموزان در مدرسه باید به این آسیب‌ها توجه ویژه‌ای شود.

با گذشت چند هفته‌ی اول سال تحصیلی و رونق گرفتن آموزش حضوری در مدرسه شاهد مراجعه‌ی والدین و اعتراضشان بودیم که بچه‌ی آن‌ها نمی‌تواند ارتباط خوبی با دوستانش داشته باشد و حتی در محیط مدرسه نمی‌تواند خواسته‌های خود را بیان کند. موارد دیگری نیز وجود داشت که از تغییرات رفتاری در نوع حرف‌زدن و حتی پوشش دانش‌آموزان خبر می‌داد. حتی در بعضی موارد ما شاهد بی‌میلی بچه‌ها برای آمدن به مدرسه بودیم. در اولین جلسه‌ی انجمن اولیا که تشکیل شد، والدین همه‌ی این موارد را بازگو کردند. شواهد حاکی از آن بود برخی از والدین از میزان استفاده‌ی





منابع استفاده شده
در این مقاله

عکاس: نرینا ابراهیمی



خواندن کتاب داستان‌هایی که مهارت‌های گوناگون را آموزش می‌دهند

انتخاب کتاب داستان مناسب که مهارت اجتماعی مدنظر ما را در قالب داستان آموزش دهد، بر عهده‌ی من بود. این کار را با وسواس انجام دادم. ابتدا از خانواده‌ی خودم شروع کردم. یک کتاب را انتخاب و از اعضای خانواده خواستم هر کدامشان یکی از گفت‌وگوهای شخصیت‌های داستان را بخوانند، البته با حالت چهره و لحن مناسب. در کنار هم داستان را با صدای بلند خواندیم. من صداها را ضبط و روی صفحات کتاب صداگذاری کردم. سپس قطعه‌فیلم آماده‌شده را صبح پنج‌شنبه تحت عنوان «هر پنج‌شنبه یک داستان» در گروه‌های کلاسی فرستادم. با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شدیم و تعداد خانواده‌های داوطلب برای خواندن خانوادگی داستان زیاد شد. تا حدی که برای هفته‌های بعد باید منتظر می‌ماندند. تأثیر این طرح را می‌شد از بازخورد مثبت اولیا فهمید. این کار را تا آخر اردیبهشت‌ماه ادامه دادیم و توانستیم مهارت نه‌گفتن، جرئت‌ورزی و... را آموزش دهیم. این هدف محقق نمی‌شد مگر با همکاری و همراهی مدیر عزیز و دلسوز مدرسه خانم پورعلی و همکاران همیشه همراه و مهربانم در دبستان شکوفه‌های انقلاب.

فواید بی‌نظیر خواندن و شنیدن قصه

قصه‌گفتن علاوه بر تقویت مهارت‌های گفتاری و شنیداری باعث تقویت حافظه و روح و روان افراد نیز می‌شود و ذهن را درگیر کرده و قدرت تخیل را نیز بالا می‌برد. قصه و داستان ابزار ارزشمندی است که نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت افراد ایفا می‌کند. وقتی ما قصه‌ای می‌گوییم یا می‌شنویم، جدا از شیرینی و لذتی که به همراه دارد، در ناخودآگاه ما هم تأثیر بسیاری می‌گذارد. تأثیری که می‌توان از آن به‌عنوان مزایای ناخودآگاه شنیدن یا خواندن داستان نام برد. وقتی ما با داستان یا قصه‌ای در ارتباط هستیم، مدام هوش تصویری ما با تصور شخصیت‌ها، اجسام و اتفاقات قصه‌ها درگیر است یا هوش عاطفی و هیجانی ما از طریق ارتباطات افراد و چگونگی تعاملاتشان تغذیه می‌شود. گذشته از این، خود شنیدن، خواندن یا تعریف قصه مهارت ما را در سخنوری و استفاده‌ی بهتر از زبان که همان هوش زبان‌شناختی است، افزایش می‌دهد. جالب است بدانید قصه‌خواندن یا شنیدن یک عمل بسیار پیچیده است که چند نقطه از مغز را درگیر می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که اتصال‌های مفید مغزی چند روز بعد از شنیدن یا حتی تمام‌شدن یک داستان یا کتاب ساده باقی می‌ماند.

فرزندانشان از اینترنت و فضای مجازی و تأثیرات آن حسابی کلافه و شاکی هستند. این موضوع برای همه روشن بود که ساعت‌ها گشت‌وگذار در فضای مجازی باعث شده است تعامل بچه‌ها با اطرافیان کاهش یابد. من، بدون هیچ پیش‌داوری در مورد ضعف مهارت‌های اجتماعی بچه‌ها، اولین و بارزترین موضوع مرتبط با این بحث را تنه‌آلودن و نداشتن هم‌بازی در محیط خانه در دوران قرنطینه می‌دانم و بعد از آن استفاده‌ی طولانی‌مدت از فضای مجازی را شالوده‌ی اصلی مشکل به‌وجودآمده عنوان می‌کنم. بنابراین من به‌عنوان اقدام‌پژوه باید اطلاعاتی را برای بررسی وضعیت موجود جمع‌آوری می‌کردم. در راه پر فرازونشیب سال‌های آموزشی مسائل و مشکلات و تجربیات گوناگونی بر سر راه آدمی قرار می‌گیرد که اگر با دیدی خوش‌بینانه و عمیق به مسئله بنگریم، می‌توانیم صداها مطلب شایان توجه برای بررسی پیدا کنیم و به جست‌وجو و تحلیل علمی در مورد آن‌ها بپردازیم.

از ابتدای شروع تدریس به‌صورت مجازی، به‌خصوص در تماس‌های تصویری، تغییرات چشمگیری در رفتار دانش‌آموزان دیده می‌شد. تکالیف آن‌ها حالت پژوهشی و تحقیقی به خود گرفته بود و در قالب قطعه‌فیلم (کلیپ) و فایل صوتی ارائه می‌شد. از آنجایی که من در تمام گروه‌های کلاسی حضور داشتم و تمام تدریس‌ها و تکالیف دانش‌آموزان را بررسی می‌کردم، به‌خوبی تغییرات، چالش‌ها و نگرانی بچه‌ها را در انجام کارها و تکالیف محوله می‌دیدم. آن‌ها برای ضبط فیلم و صدا بسیار اضطراب داشتند. پس از گذشت مدتی با چند نفر از دوستان برای همکاری مشورت کردم. این، زنگ خطری بود که باعث می‌شد به‌دنبال راه‌های صحیح آموزش مهارت‌های اجتماعی، کلامی و استفاده‌ی مناسب و بجا از فضای مجازی برای رفع این مشکلات باشیم. با جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن و تبادل تجربه با همکاران و طی تشکیل جلساتی مانند شورای معلمان و انجمن اولیا و جلسات مشاوره با دانش‌آموزان و همچنین جمع‌بندی مطالب به‌دست‌آمده برای حل مشکل راه‌های متعددی ارائه و در آخر این راه‌حل برگزیده شد.

آموزشی
ابتدایی

مهرماه

دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱ | ۱۴۰۱

سلام معلم



محمد چراغی، راهبر آموزشی تربیتی شهرستان
مرودشت استان فارس

چند ساعتی بود که راهی مسیر بودم، به دنبال نشانی در دل کوه که
برایم ناشناخته بود، حس عجیبی داشتم، حسی همراه با دلهره ولی
مشتاق رسیدن.

بارش باران شروع شده بود و قطره‌های آن روی شیشه‌ی ماشین
به آرامی می‌لغزید. قرار بود شغلی را شروع کنم که بی‌صبرانه منتظرش
بودم.

معلمی در مدرسه‌های عشایری و زندگی با مردمانی کوچ نشین،
ساده‌دل، سخت‌کوش و مهربان.
مردمانی که فرش زیر پایشان زمین پاک، دلشان زلالی رود و سقف
خانه‌هایشان آسمان آبی است.

مسیر را با نشانی‌ای که گرفته بودم ادامه دادم؛ بعد از شهرستان
فرشبند و روستای پهناپهن، در میانه‌ی پیچ‌وخم جاده‌ای کوهستانی،
دو درخت بید بلند در حاشیه‌ی جاده هست. چند متر آن طرف‌تر،
جاده‌ای شوسه‌ای نمایان خواهد شد که به محل اسکان عشایر منتهی
می‌شود.

باران همچنان می‌بارید و هوا کم‌کم تاریک می‌شد؛ اما از چادر عشایری
خبری نبود. فکر نمی‌کردم مسیر سنگلاخی زیادی را می‌بایستی طی
کنم.

هوا دیگر تاریک شده بود. به‌جز دو خط سفید جاده در نور چراغ
ماشین چیزی دیده نمی‌شد. چند باری از ماشین پیاده شدم و با نور
چراغ قوه اطراف را نگاه کردم، فقط درختان کنار جاده و یک تپه
دیده می‌شد. مسیر را ادامه دادم تا اینکه دیگر از جاده هم خبری
نبود. خسته شده بودم. به‌ناچار توقف کردم. بارش باران قطع شده
بود. سکوتی عجیب حاکم بود، همه‌جا تاریک تاریک. مسیر را درست
آمده بودم؛ ولی شاید، به‌سبب تاریکی، چادرها را ندیده بودم. باد ملایم
می‌وزید و هوا حسابی سرد شده بود. با شماره‌ای که داشتم تماس
گرفتم، ولی تلفن همراه آنتن‌دهی نداشت. زمان به‌کندی می‌گذشت،
تنها در دل کوه و تپه‌ها، به دور از خانه، جایی که اصلاً شناختی از آن
نداشتم. به ناچار شب را در ماشین خوابیدم.

صبح زود بیدار شدم. با روشن شدن هوا، اطرافم را نگاه کردم. حسابی
به خودم خندیدم. من کجا و اینجا کجا؟ اطرافم همه تپه بود و کمی
جلوتر کوهی بلند.



برای دیدن فیلم این خاطره
زیبا به این نشانی مراجعه
نمایید

آیندازی

مهرماه
دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱ | ۱۴۰۱

۱۸

مسیر را برگشتم و مدام به خودم می‌گفتم: «چطوری این مسیر سنگلاخی را آمده‌ام؟» بالاخره در حاشیه‌ی جاده، راهی را که به چند چادر می‌رسید دیدم، خودش بود، به طرف چادرها رفتم. بچه‌ها با دیدن ماشین به طرفم دویدند. مثل اینکه از قبل منتظرم بودند. یکی از آن‌ها به زبان ترکی پرسید: «شما معلم هستید؟» در جواب گفتم: «بله» همه با هم و با صدای بلند گفتند: «سلام معلم.»

خنده‌های کودکان و خوشحالی بچه‌ها تمام خستگی را از تنم بیرون برد. عصر آن روز با کمک اهالی چادر مدرسه برپا شد و فردای آن روز، کلاس درس با حضور سیزده دانش‌آموز و در پنج پایه آغاز شد.

تجربه‌ی تدریس در دوره ابتدایی را نداشتم، آن هم پنج پایه. از طرفی کلاس اولی‌ها زبان فارسی را خوب نمی‌توانستند صحبت کنند. هیچ‌گونه امکانات و وسایل آموزشی هم نبود، فقط نوشت‌افزار، کتاب، گچ و تخته‌سیاه.

تنها شب‌ها فرصت داشتم تا خودم را برای کلاس فردا آماده کنم. با خودم میدل برق داشتم. آن را به باتری ماشین وصل می‌کردم. لامپ و رایانه‌ی کیفی (لپ‌تاپ) را روشن می‌کردم، از قبل چند لوح فشرده آموزشی و محتوای درسی هم تهیه کرده بودم و با کمک آن‌ها برنامه‌ی فردا را تنظیم می‌کردم؛ ولی این‌ها کافی نبودند. از طرفی وقت برای صرف تدریس هم‌هی پایه‌ها کم می‌آمد. دانش‌آموزان با اینکه بسیار باهوش بودند، پیشرفت زیادی نداشتند. تصمیم گرفتم شیوه‌ی تدریس را تغییر دهم. دانش‌آموزان را به چند گروه تقسیم کردم. پایه‌های بالاتر، به‌عنوان همیار معلم، مسئول رسیدگی به تکالیف دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر شدند. طبیعت و فضای موجود هم شد وسایل کمک آموزشی مان؛ سنگ‌ها به‌عنوان چینه، تکه‌های چوب و برگ و ریشه‌ی گیاهان و... بیشتر وقت کلاس صرف بازی و یادگیری می‌شد. علاقه‌ی عجیبی در دانش‌آموزان برای حفظ و خواندن شعر بود. تقویت این حس باعث شد علاقه و روحیه‌ی اعتمادبه‌نفس بچه‌ها بیشتر و مشکل دو‌زبان بودن برطرف شود. با این روش پیشرفت درسی دانش‌آموزان خیلی بیشتر شده بود.

باید اقرار کنم من هم چیزهای زیادی یاد گرفتم. زندگی در شرایط سخت عشایری، تحمل سرما و گرما و همچنین دوری از خانواده، نگهداری از چادر در برابر باد و باران تنها گوشه‌ای از آن بود. زندگی و کوچ با مردمانی که دلبسته‌ی جا و مکانی خاص نیستند، همیشه آمادگی رویارویی با مشکلات طبیعی را دارند، مایحتاج زندگی را خودش‌ان تهیه می‌کنند و در همه‌حال شکرگزار نعمت‌های خدا هستند، واقعا لذت‌بخش بود و درس‌های بزرگی به من آموخت.



کوچک مشاور

من مشاور مامان و بابام هستم

سارا سلیمی نمین، مؤسس مرکز نوآوری وابسته به مدرسه

آمنه سلیمی نمین، مدیر مدرسه در منطقه ۳ تهران

کار آفرینی در گروی شناخت مشاغل

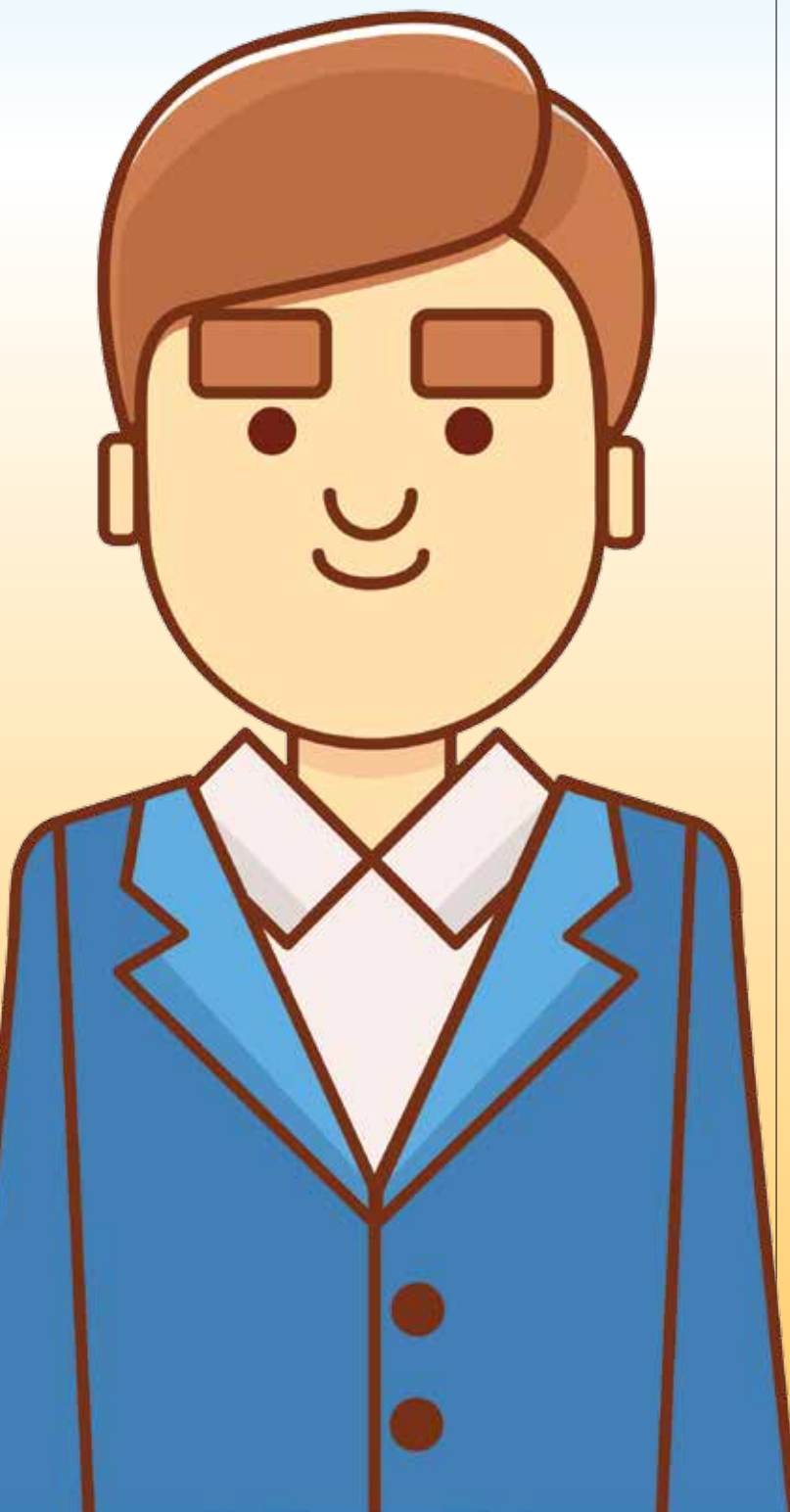
کار آفرینی برای ما معلمان موضوع جدیدی نیست و تاکنون مطالب زیادی را با این عنوان برای دانش آموزان خود مطرح کرده ایم. این واژه در شبکه های تلویزیونی کودک تا بزرگسال نیز بسیار به کار می رود و حتی برنامه های بسیاری با این عنوان تولید و پخش می شوند.

سؤالات بسیاری درباره ای این اصطلاح در ذهن هر یک از ما وجود دارد: کار آفرین کیست؟ آیا همه می توانند کار آفرین شوند؟ آیا شرایط اقتصادی کشور و شرایط کسب و کارها عامل اصلی کار آفرینی اند؟ یا ایجاد شوق کار آفرینی از طریق آموزش و فرهنگ سازی عامل اصلی ظهور کار آفرینان است؟ آموزش کار آفرینی را از کجا باید آغاز کرد؟ آیا نشان دادن زندگی کار آفرینان موفق می تواند نقطه شروع خوبی باشد یا لازم است دانش آموزان با مبانی کار آفرینی آشنا شوند؟

یکی از سؤالات اساسی در آموزش کار آفرینی این است که آیا کار آفرینی را می توان بر اساس مبانی، آموزش داد یا تبدیل شدن به یک کار آفرین در تعامل با کار آفرینان تجربه می شود و به دست می آید؟ بسیاری از ما معلمان نه تنها تجربه ای کار آفرینی نداریم، بلکه به کارمندی در ساختار دولتی دل سپرده ایم و این می تواند یکی از نکات تأمل برانگیز در هدف گذاری برای ایجاد فرهنگ کار آفرینی از طریق آموزش مدرسه ای باشد.

با وجود همه ی سؤالاتی که درباره ای این موضوع مطرح می شود، به دنبال آن هستیم تا کار آفرینی را نه از منظر ویژگی های کار آفرینان، بلکه از منظر زیرساخت های کسب و کار، به ویژه زیرساخت های کسب و کار دانش بنیان، و بر اساس سطح دانش آموزان ابتدایی مرور کنیم.

کار آفرینی در بستر یک شغل یا ترکیب جدیدی از مشاغل و زمانی که یک کار آفرین به نیاز مخاطب خود به روشی جدید و با ارزشی بالاتر پاسخ می دهد، بروز و ظهور پیدا می کند. برای رسیدن به این سطح لازم است دانش آموزان شغل های اصلی تولید کننده ارزش برای مخاطبان را از مشاغل مرتبط با حکمرانی آن ها تشخیص دهند و این تمایل در آن ها ایجاد شود که خود را در شغل های اصلی جایابی کنند و بنای بهبود آن ها را داشته باشند. تولید و تأمین غذای مردم، از کشاورز تا عرضه کننده مواد



من می‌خواهم رئیس جمهور شوم

می‌خواهم چه شغلی داشته باشم؟

کوچک‌مشاور: بابا، من تصمیم خودم را گرفته‌ام. می‌خواهم وقتی بزرگ شدم، رئیس‌جمهور شوم.

بابا: یعنی پس بالاخره پیدا کردی که چه شغلی داشته باشی؟

کوچک‌مشاور: گفتم دیگر! رئیس‌جمهور.

مامان: بیا با هم فکر کنیم. اگر رئیس‌جمهوری شغل باشد، افرادی که رئیس‌جمهور می‌شوند، قبل و بعدش چه کاری انجام می‌دهند؟ می‌دانی که ریاست‌جمهوری مدت چهارساله دارد؟ یعنی شخصی که رئیس‌جمهور می‌شود، قبل و بعدش بیکار است؟

کوچک‌مشاور: راست می‌گویید! آن وقت درآمدشان از کجاست؟ باید درآمد دیگری داشته باشند. پس شغلشان باید چیز دیگری باشد. مامان، به نظرم باید در کار خودشان ماهر هم باشند تا مردم آن‌ها را بشناسند و در انتخابات، رأی بیشتری بیاورند.

بابا: الحق که مشاوری!

کوچک‌مشاور: بگذارید ببینم رئیس‌جمهورهای قبلی ما شغل‌هایشان چه بوده است. من می‌دانم شهید رجایی معلم بوده. بقیه چی؟ شما می‌گویید یا بروم و جست‌وجو کنم؟

مامان: ما هم می‌توانیم بگوییم، اما به نظرم بهتر است سؤال را جور دیگری بپرسی. یک جوری که به رئیس‌جمهورهای قبلی ربط نداشته باشد. مثلاً بپرسی چه کسانی می‌توانند نامزد ریاست‌جمهوری شوند.

کوچک‌مشاور: پس بگذارید یک‌جور دیگر سؤال بپرسم. آیا رئیس‌جمهور می‌تواند مهندس یک کارخانه باشد یا مثلاً دکتر یک بیمارستان یا حتی خلبان؟

مامان: برای چی این شغل‌ها را پرسیدی؟ فکر می‌کنی این شغل‌ها برای مدیریت کشور بهترند؟

کوچک‌مشاور: من فکر می‌کنم رئیس‌جمهور باید همه‌ی کارها را بلد باشد. وگرنه چطور می‌خواهد همه را مدیریت کند؟ راستی شاید رئیس‌جمهور باید قبل از ریاست‌جمهوری مدیر باشد؛ اما این‌طوری باز هم یک چیزی جور در نمی‌آید. مدیر هم بالاخره باید در یک شغلی مدیر باشد.

بابا: فکر می‌کنی چطور یکی در کارش مدیر می‌شود؟

کوچک‌مشاور: باید اول شغلی داشته باشد؛ مثلاً مهندس کارخانه‌ی سازنده‌ی کفش. بعد خیلی خوب کار کند تا مدیر شود. به نظرم باید درس‌های جدیدی هم بخواند. حالا اگر ماجرا این‌طوری است، من باید اول یک شغلی را انتخاب کنم و درس آن را بخوانم. بعد در آن شغل کار کنم و بعد از آن، درس‌های مدیرشدن را هم بخوانم و بعدش هم خیلی خوب کار کنم.

مامان: پس برگشتیم سر خانه‌ی اول. تو دوست داری که شغلت چه باشد؟ **کوچک‌مشاور:** باید باز هم فکر کنم؛ اما به نظرم باید اول شغل‌هایی را در نظر بگیرم که چیزی برای مردم می‌سازند؛ مثل ماشین، هواپیما، قطار یا حتی دوچرخه. شغلی که غذای مردم را بدهد هم به‌نظرم خوب است؛ مثل مرغداری یا گاوداری. شاید هم به شغلی فکر کردم که لباس مردم را برساند. وای خیلی زیادند! من بروم و نقشه‌ای برای رابطه‌ی بین شغل‌ها بکشم. دوباره برمی‌گردم.



خوراکی و سپس تولید غذای آماده از زنجیره‌ی مشاغل اصلی هستند. زنجیره‌های تولید و تأمین پوشاک، مسکن، بهداشت و انرژی نیز از مشاغل اصلی هستند. در لایه‌ی دوم زنجیره‌های تولید و تأمین آموزش و فرهنگ و امنیت مرزی و مالی از دیگر مشاغل اصلی‌اند. مشاغلی از جنس سیاست‌گذاری، نظارت و توزیع فرصت‌های رشد برای کسب‌وکارها از مشاغل حکمرانی هستند.

کسب و کارها در فرصت‌های برابر در بخش‌های خصوصی و مردمی شکل می‌گیرند و در رقابت رشد می‌کنند. دولت‌ها موظف‌اند با کوچک نگاه‌داشتن خود، از یک‌سو فرصت‌های کسب‌وکار را به مردم واگذار کنند و از سوی دیگر سربارهای بخش کسب‌وکار را کاهش دهند و با مالیات کمتری کشور را مدیریت کنند.

گفت‌وگو با کودکان در مورد رابطه‌ی نهادی دولت‌ها و کسب‌وکارها ساده نیست. قصه‌ای که در ادامه می‌آید، نمونه‌ی گفت‌وگویی است که می‌تواند با یک دانش‌آموز پایه‌ی سوم یا چهارم شکل بگیرد و ذهن او را در این زمینه فعال کند. لطفاً شما نیز قصه‌ها یا طرح درس‌های خود در این زمینه با ما به اشتراک بگذارید.

ایثار در کرونا

تجربه



علی اکبری، راهبر آموزشی تربیتی مدارس عشایری
شهرستان نهبندان، استان خراسان جنوبی

در ایام کرونا که معمولاً اکثریت مناطق، قرمز و نارنجی بودند و آموزش به صورت غیر حضوری صورت می گرفت، مدرسه های روستایی با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کردند. نبود اینترنت، نداشتن گوشی هوشمند یا رایانه و بضاعت کم مالی خانواده ها عمده ترین این مشکلات بود. در این مسیر و برای حل این موضوع اقدامات فراوانی صورت گرفته است که بیان برخی از آن ها بر تجربه ی کاری مان خواهد افزود.

و اما یکی از روش هایی که ما در برخی از مدرسه های روستایی - عشایری حوزه ی راهبری که از نعمت پوشش اینترنت برخوردار نبودند به کار گرفتیم و نتیجه ی خیلی خوبی داد، استفاده از فلش بود. ابتدا اطمینان حاصل کردیم که همه ی دانش آموزان در خانه تلویزیون دارند و از دستگاه رقیمی (دیجیتالی) استفاده می کنند که قابلیت پخش فایل های فلش را دارد.



آیندگان

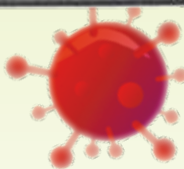
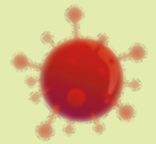
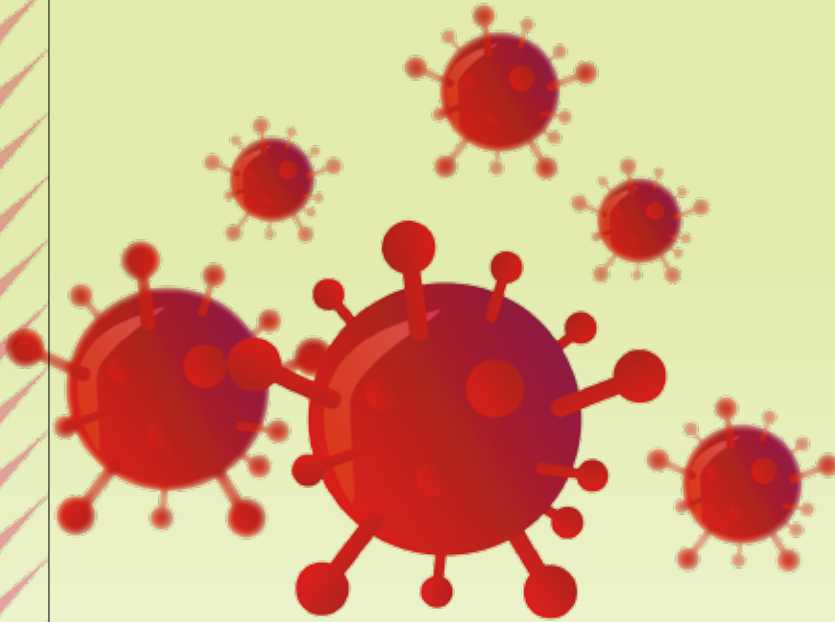
مهر ماه
دوره ی بیست و ششم
شماره ی ۱ | ۱۴۰۱

۲۲

مزایای استفاده از فلش:

- ❖ هر فلش که به قیمت ۷۴ هزار تومان و با استفاده از جذب کمک‌های خیرین تهیه شده است، سال‌ها از آن استفاده می‌شود.
- ❖ دانش‌آموز می‌تواند، هر فایل آموزشی مثل تدریس معلم را که در حافظه فلش ضبط می‌شود، نامحدود ببیند تا خوب یاد بگیرد.
- ❖ در هفته‌های آخر که بین تعداد بسیار محدودی از دانش‌آموزان در استان رایانک و گوشی هوشمند توزیع شد، قیمت تقریبی هر گوشی ۳ میلیون تومان بود که فقط یک دانش‌آموز می‌توانست از آن استفاده کند. در صورتی که با سه میلیون تومان می‌توان برای بیش از چهل دانش‌آموز فلش تهیه کرد.
- ❖ قیمت هر برگ کاغذ که برای درس‌نامه استفاده می‌شود، با احتساب هزینه‌ی رونوشت (کپی)، بسته به انصاف افراد، بیش از هزار تومان است و در هفته تقریباً بیش از ده برگ برای هر دانش‌آموز باید هزینه کرد. در کمتر از هشت هفته قیمت تهیه و چاپ درس‌نامه‌ی هر دانش‌آموز بیشتر از قیمت یک فلش یعنی ۷۴ هزار تومان خواهد شد. توجه داشته باشید که این هزینه قابل برگشت نیست.
- ❖ در دوره‌ی اول ابتدایی، به‌ویژه پایه‌ی اول که هنوز آموزشی انجام نشده است، درس‌نامه شاید جایگاه مناسبی نداشته باشد. درس‌نامه بیشتر جنبه‌ی تمرین دارد و یک فعالیت تکمیلی است. در صورتی که آموزگار پایه‌ی اول می‌تواند فیلم آموزش هر درس را که خودش ضبط کرده است، از طریق فلش در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد.
- ❖ خیلی از فعالیت‌های مکمل آموزشی، بازی‌ها و... را می‌توان از طریق فلش در اختیار دانش‌آموزان قرار داد.

.....



تعدادی از دانش‌آموزانی که از این طریق فعالیت‌های آموزشی را در اختیارشان قرار داده بودیم، ضمن یک نظرسنجی بیان داشتند که یادگیری به این شکل بهتر انجام شده است. میزان رضایت ایشان فراتر از حد انتظار بود.

هنوز هم در مدرسه‌های روستایی خانواده‌هایی هستند که اینترنت و رایانه ندارند و می‌توان با این روش فعالیت‌های تکمیلی را در اختیار این دانش‌آموزان قرار داد.

آموزشی
ابتدایی

مهرماه

دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱۴۰۱

۲۳

آقای شمس



مرتضی شمس آبادی
آموزگار و نویسنده

بالاخره رسید،
فردا اول مهره.

هنوز آماده نیستم!

طرح
درس هام
مونده!

من کمکت می‌کنم. اول بیا
کارهایی رو که برای تدریس
آماده کردی مرتب کنیم. باید
بذاریمشون توی ماشین که فردا
با خودت ببری.

لباس چی بپوشم؟
چطوری صبح زود بیدار شم؟!
هیچ شناختی از
بچه‌های جدید ندارم!

آبشار

مهرماه
دوره بیست و ششم
شماره ۱ | ۱۴۰۱

۲۴



مطمئنی همهی این‌ها رو می‌خواهی فردا بپیری؟ همین طوری اش هم برای نشستن خودت جانیست!

آره! ولی هنوز برای خیلی از درس‌ها نرسیدم کاری آماده کنم.



تا جایی که می‌شه لباس‌های هر روزت رو روی یک رخت‌آویز می‌ذاریم. می‌شه لباس‌های هر روز رو نوشت. این طوری دیگه لازم نیست هر روز برای لباس فکر کنی.

نمی‌خوام در طول هفته لباس تکراری بپوشم. پارسال یکی از بچه‌ها حساس شده بود!

ولی اگه یادم رفت چه روزی کدوم رو بپوشم چی؟

به نظرم اول رنگ‌های شاد رو جدا کنیم. بهتره رنگ‌های شاد و گرم بپوشی تو مدرسه.



منم همین‌طور. ولی تو توی سه ماه گذشته برای بهتر شدن کارهات وقت گذاشتی. دوره‌های تازه شرکت کردی. همین که ذره‌ذره خودت رو رشد بدی خیلی مهمه. وقتی تو برای مدرسه ذوق داشته باشی مطمئن باش بچه‌ها هم حس خوبی به مدرسه و معلمشون خواهند داشت.

وقتی دانش‌آموز بودم، اول مهر که می‌شد دلم نمی‌خواست برم مدرسه. معلم شدم که کاری کنم مدرسه برای همه خوشایند بشه و کسی اون حس من رو نداشته باشه. اما نگرانم که بچه‌ها از من خوششون نیاد.

ولی من ساعت گوشیم رو تنظیم می‌کنم.

هیچ ذهنیتی از دانش‌آموزای جدیدم ندارم.

قرار بود آقای معاون یک فایل معرفی‌نامه از بچه‌ها بفرسته، تا دیشب که خبری نبود.

فرستاده ولی اینکه فقط به فهرست از اسم بچه‌هاست، حتی عکسشون هم نیست! فردا روز آشناییه. می‌رم با همه آشنا می‌شم!

برای احتیاط ساعت کوکی رو هم از انبار آوردم. می‌ذارم رنگ بزنه زمان‌سنج فرگاز رو هم گذاشتم که دیگه محکم کاری بشه!

اگر صبح دیر کنم چی؟ بعد سه ماه باید صبح زود باشم! گوشیم زنگ می‌زنه؛ ولی...

کلاس‌های چندپایه

به زبان آمار و ارقام



علی پورقیومی
راهبر آموزشی تربیتی
منطقه‌ی کوهمره، استان فارس

راهکار (۳-۵) در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به توانمندسازی دانش‌آموزان ساکن مناطق محروم و عشایری با تأکید بر ایجاد فرصت‌های آموزشی متنوع و با کیفیت اشاره می‌کند. همچنین در راهکار (۴-۵) بر اولویت بخشی به تأمین و تخصیص منابع، تربیت نیروی انسانی کارآمد و حمایت مادی و معنوی از دانش‌آموزان مناطق محروم تأکید شده است. کلاس‌های چندپایه یکی از راهکارهای مؤثر آموزشی و اقتصادی است که می‌تواند آرمان‌های ملی را در زمینه‌ی آموزش و پرورش برای همه، به ویژه در مناطق محروم با جذب پسران و دختران بازمانده از تحصیل، تحقق بخشد. توجه به این راهکار مؤثر وقتی نمایان تر می‌شود که نیم‌نگاهی به آمار و ارقام کلاس‌های چندپایه‌ی کشورمان داشته باشیم.

دلایل تشکیل کلاس‌های

چندپایه و چالش‌های آن

کلاس‌های چندپایه به دلیل تعداد کم جمعیت دانش‌آموزان، اوضاع سخت محیطی، نامناسب بودن راه‌های ارتباطی، کمبود

فرصتی آموزشی است. کلاس‌های چندپایه در دیدگاه صاحب‌نظران مکاتب نوین آموزشی به دلایل گوناگون تأیید می‌شوند:

- در نظریه‌ی رشد شناختی پیاژه، به دلیل تبادل افکار و تعامل بین کودکان در سطوح گوناگون رشد که رشد شناختی دانش‌آموز را به دنبال دارد؛

- در نظریه‌ی رشد شناختی اجتماعی ویگوتسکی، به دلیل افزایش منطقه‌ی تقریبی رشد با راهنمایی بزرگسالان و همسالان توانا تر؛

- در نظریه‌ی رشد شناختی اجتماعی بندورا، به دلیل مشاهده و الگوگیری دانش‌آموزان کم‌سن و سال از دانش‌آموزان بزرگ‌تر؛

- در دیدگاه شاگردمحوری دیویی به دلیل زندگی واقعی که در چندپایه به وجود می‌آید.

تعداد کم دانش‌آموزان در این کلاس‌ها فرصتی فراهم می‌آورد تا معلم ویژگی‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان خود را بهتر بشناسد. همچنین تدریس در کلاس چندپایه برای معلم سبب افزایش تجربه‌ی آموزشی او می‌شود؛ چراکه در یک سال تحصیلی مطالب درسی چند پایه را آموزش می‌دهد. در نتیجه

نیروی انسانی و فضاهای آموزشی، مهاجرت و به حدنصاب نرسیدن دانش‌آموزان تک‌پایه تشکیل می‌شود. در این کلاس‌ها معلم باید به دانش‌آموزان پایه‌های متعدد که ممکن است از نظر سن، جنسیت، توانایی و مهارت متفاوت باشند، هم‌زمان یا جداگانه، در چادر، اتاقک سیار (کانکس) یا ساختمان، آموزش دهد. برخی از چالش‌های این کلاس‌ها عبارت‌اند از:

- کمبود وقت به دلیل تعدد نقش معلم (آموزگار، مدیر، ناظم، مشاور، مربی ورزش و...)
- حجم بالای کتاب‌های درسی و در نتیجه توجه نکردن به درس هنر و ورزش؛
- کم‌تجربگی و آموزش ندیدن آموزگاران؛
- رفت و آمد روزانه‌ی معلمان غیربومی و کاهش انرژی و تمرکز آن‌ها بر آموزش و پرورش دانش‌آموزان؛
- نامناسب بودن فضای آموزشی؛
- کمبود وسایل و تجهیزات کمک‌آموزشی؛
- دوزبانه بودن دانش‌آموزان؛
- ضعف فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها؛
- مختلط بودن کلاس‌ها.

حمایت‌های نظری از کلاس‌های

چندپایه و مزایای آن

پیدایش نظریات نوین آموزشی این ایده را تقویت می‌کند که آموزش چندپایه نه تنها ضرورت، بلکه

آمار کلاس‌ها و تعداد نیروهای انسانی کلاس‌های چندپایه

تعداد کلاس چندپایه دوره‌ی ابتدایی	۴۹ هزار و ۱۰۲ کلاس (تقریباً ۱۴ درصد از مجموع ۲۵۵ هزار و ۹۷۳ کلاس ابتدایی)
تعداد دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه	حدود ۷۰۰ هزار دانش‌آموز
تعداد معلمان کلاس‌های چندپایه	بیش از ۵۰ هزار معلم



عکاس: فریا ابراهیمی

معلم پایه	تعداد کتاب	مجموع صفحات	تعداد روز آموزشی در سال تحصیلی (۱۴۰۰-۱۴۰۱)	محتوای کتاب‌های درسی
اول	۵	۶۵۶	۱۵۳	هیچ تفاوتی بین کتاب‌های تک پایه با چند پایه نیست!
دوم	۶	۷۱۹	۱۵۳	
سوم	۷	۸۹۶	۱۵۳	
چهارم	۷	۹۲۷	۱۵۳	
پنجم	۷	۹۱۰	۱۵۳	
ششم	۹	۱۱۲۸	۱۵۳	
سه پایه (دوم، سوم، چهارم)	۲۰	۲۵۴۲	۱۵۳	
شش پایه	۴۱	۵۲۳۶	۱۵۳	

با کتاب‌های پایه‌های گوناگون و همچنین ویژگی‌های دانش‌آموزان، در سنین مختلف دبستان، آشنا خواهد شد.

گوشه چشمی به کلاس‌های چند پایه؛ لزوم توجه نظام آموزشی به محتوای درسی کلاس‌های چند پایه

نظام آموزشی مامی تواند به کلاس‌های چند پایه به عنوان یک فرصت نگاه کند و با نگاهی دقیق به چالش‌های چند پایه، برنامه‌ریزی‌های لازم را برای تغییر الگوی آموزشی صورت دهد تا از قیدوبند نظام تک پایه‌ای رها شود و چالش‌ها را تبدیل به فرصت کند. از جمله مشکلات این کلاس‌ها برنامه‌ی درسی ملی است. این برنامه ناظر به کلاس‌های تک پایه طراحی شده و از توجه به بیش از ۵۰ هزار معلم و ۷۰۰ هزار دانش‌آموز کلاس‌های چند پایه باز مانده است. حال آنکه آموزش چند پایه نیاز به برنامه‌ی درسی مستقل و سازگار با دانش‌آموزان و معلمان چند پایه دارد.

یک معلم چند پایه با وجود نقش‌های متنوع، پایه‌های متعدد، زمان کم، کمبود امکانات

و نامناسب بودن فضای آموزشی، ضعف فرهنگی، کم‌سوادی والدین و مشکلات بی‌شمار دیگر باید، مانند سایر معلمان، در برنامه‌ی زمانی تعیین شده برای کلاس‌های تک پایه به اهداف آموزشی درس‌های تمام پایه‌ها برسد. با توجه به تعداد بالای کلاس‌های چند پایه و همچنین لزوم توجه به آرمان‌های ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش لازم است به این کلاس‌ها و خواسته‌های این معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان توجه ویژه‌ای شود تا کودکان مناطق محروم از حق طبیعی خود یعنی برخورداری از آموزش و داشتن معلمان توانمند بهره‌مند شوند.



منابع

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۲. فضل، رخساره (۱۳۹۴). «پیش‌دستانی در کلاس‌های چندپایه»، رشد آموزش پیش‌دستانی، (۱۱۷)، ۲۹-۲۸.
۳. مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و امور اداری و وزارت آموزش و پرورش (۱۴۰۰). سالنامه‌ی آماری وزارت آموزش و پرورش ۱۳۹۹-۱۴۰۰، نشر دایا.
۴. کریمی، محمدصادق و غفوری، خالد (۱۳۹۷). «مزیت‌ها و محدودیت‌های کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب زیسته‌ی معلمان کلاس‌های چندپایه»، فصلنامه‌ی توسعه‌ی حرفه‌ای معلم، (۲)۳، ۷۴-۵۹.

5. Vincent, S., & Ley, J. (Eds.). (1999). The multi-grade classroom: A resource handbook for small rural schools. Book 1. Review of the research on multigrade instruction. Oregon: Northwest Regional Educational Laboratory.

طرح درس

محمد سبحانی، آموزگار سابق ابتدایی

و معاون آموزشی مدرسه صدر، قم

الهه صبوری فر، آموزگار دبستان، قم

طرح درس بازی محور یکی از روش های نوین تدریس و برای دانش آموزان بسیار جذاب است. در این روش بچه ها مطلب درسی و علمی را در کنار سرگرمی و بازی می آموزند. جذابیت و بازی محور بودن مطلب باعث می شود فرایند یادگیری برای دانش آموزان بهتر و دقیق تر صورت بگیرد. این امر به تثبیت بیشتر مطالب آموخته شده نیز کمک زیادی می کند. آنچه در ادامه می آید، طرح درس هایی است که در آن از روش بازی محور استفاده شده است.

← طرح درس رنگارنگ

اهداف آموزشی و تربیتی: کار گروهی، یادگیری الگو و تثبیت آن.

مخاطب: پایه های اول و دوم و سوم ابتدایی.

زمان اجرا: دو روز، به طوری که در هر روز فقط دو رنگ به این بازی اختصاص پیدا کند و بیشتر از این نشود. (در چهار یا پنج رنگ)

مرحله اول

معلم با شادابی وارد کلاس می شود. بچه ها با شور و حال همیشگی به معلم خود سلام می کنند.

- سلام بچه های عزیزم، امروز می خواهیم با هم یک بازی خیلی جذاب بکنیم. آماده اید؟
- بله.

- خوب، همه در یک خط، کنار هم، بایستید. من به هر نفر یک کاغذ رنگی می دهم.

معلم شروع به دادن کاغذها می کند. به ترتیب به هر نفر یک رنگ می دهد و بعد از دادن رنگ ها که به صورت منظم است، از بچه ها می خواهد هر کس رنگ خود را بخواند.

بچه ها شروع به خواندن می کنند: سبز، قرمز، آبی، زرد/سبز، قرمز، آبی، زرد/سبز، قرمز، آبی، زرد و ...

(نوع ایستادن بچه ها می تواند از قبل مشخص شده باشد که به هر کس چه رنگی برسد تا هم رنگ ها هم گروه شوند.)

- خوب بچه ها، همه ی سبزه ها یک گروه، قرمزه ها یک گروه، آبی ها یک گروه و زرده ها هم یک گروه می شوند. همه در گروه های خودشان قرار بگیرند و پشت سر هم بایستند.

(این طرح درس بر اساس گروه های هفت نفره توضیح داده

شده است؛ اما تعداد اعضای گروه، دلخواه و متناسب با کلاس مشخص می شود.)

- در این مرحله از بازی می خواهیم با هم ورزش کنیم. آماده اید؟
- بله.

- هر کاری می گویم سریع انجام بدهید.

بشین، پاشو/بشین، پاشو/بشین، پاشو.

بچرخ، بشین، پاشو/بچرخ، بشین، پاشو.

بچرخ، ببر، بشین، پاشو/بچرخ، ببر، بشین، پاشو.

دست راست بالا، دست چپ پایین/دست چپ بالا، دست راست پایین/دست راست بالا، دست چپ پایین/دست چپ بالا، دست راست پایین.

بعد از ورزش که همه ی حرکات آن به صورت الگویی انجام می شود، معلم به هر گروه یک تکه جورچین می دهد.

ابتدا روی یک کاغذ یا مقوا، نقاشی ای را می کشیم که قابلیت الگو شدن را داشته باشد. مثلاً قطار، چند درخت، چند گل،

خانه با سقف چند تکه، چند بادبادک و ... نقاشی هایی که بچه ها بتوانند آن را به صورت الگویی رنگ کنند. یعنی معلم

باید چند قسمت از نقاشی را خودش رنگ کند و در نهایت بچه ها طبق الگویی که معلم رفته است ادامه دهند. بعد این

نقاشی را به چهار قسمت، مانند یک جورچین چهار تکه، برش می زنیم و در هر مرحله یک تکه از این جورچین را به هر گروه

می دهیم. به تعداد گروه ها باید نقاشی داشته باشیم. نقاشی ها می توانند یکسان باشند.

- خوب بچه ها، این یک تکه از جورچین گروه شماست و باید این را نگه دارید تا جورچینتان کامل شود. حالا برویم سراغ

مرحله دوم

- گروه اول کنار هم و یک نفرشان هم در جلوی آن ها بایستند.



تا برسد به خانه‌ی زرد قبل از نفر آخر و همین‌طور بقیه‌ی گروه پشت سر آن‌ها می‌پرند تا خانه‌های زرد کاملاً پر شود. هر نفر حین پریدن باید بلند بگوید چه کار می‌کند. مثلاً نفر اول قبل از پریدن می‌گوید: «نپریدم خانه‌ی سفید، پریدم خانه‌ی زرد، نپریدم...، پریدم...، نپریدم...، پریدم...».

بقیه هم به همین ترتیب پشت سرش ادامه می‌دهند. گروه قرمز خانه‌های زرد را پر می‌کنند و بعد معلم به همه‌ی گروه‌ها می‌گوید: «خب بچه‌ها، از اول پر یا خالی بودن خانه‌ها را از چپ به راست بلند می‌گوییم: «خالی، پر، خالی، پر، خالی، پر...».

بقیه‌ی گروه‌ها هم همین بازی را انجام می‌دهند و جورچین سوم را می‌گیرند.

مرحله‌ی چهارم

معلم به هر گروه تعداد هشت بادکنک در دو رنگ می‌دهد. (متناسب با کلاس می‌توان رنگ‌ها را بیشتر کرد تا الگو سخت‌تر شود).

جلوی هر گروه یک جعبه (جعبه‌ی خالی مثل جعبه‌ی کفش) قرار دارد که در آن بسته است.

- بچه‌های عزیزم، این جعبه‌ها یک رمز دارد. (جعبه ساده است و این فقط یک فرض است که رمز دارد). شما باید این بادکنک‌ها را طوری کنار هم بچینید که رمز جعبه پیدا و در جعبه برایتان باز شود. (در واقع بچه‌ها باید بادکنک‌ها را کنار هم جلوی جعبه قرار دهند).

بچه‌ها شروع به بادکردن و بعد چیدن بادکنک‌ها می‌کنند. گروه اول طبق یک الگو بادکنک‌های بادشده را در کنار هم و در جلوی جعبه می‌چیند.

الگوی آن‌ها به این شکل است: سبز، سفید، سبز، سفید،...

الگوی گروه بعد این‌گونه است: قرمز، آبی، قرمز، آبی،...

در نهایت هر گروه‌ی که بادکنک‌ها را به‌صورت الگو می‌چیند، معلم رمز آن‌ها را تأیید و در جعبه را برایشان باز می‌کند. اگر گروه‌ی به الگو نرسد، معلم به آن‌ها کمک می‌کند تا الگو را کامل کنند.

درون جعبه، تکه‌ی آخر جورچین است و به تعداد بچه‌ها شکلات دورنگ که شبیه الگو است، قرار دارد.

بچه‌ها بعد از خوردن شکلات‌ها، جورچین گروه خود را تکمیل می‌کنند.

در آخر معلم از بچه‌ها می‌خواهد تا رنگ‌آمیزی نقاشی را با توجه به الگویی که در نقاشی مشخص شده است، ادامه دهند و رنگ کنند؛ مثلاً واگن اول قطار زرد، دومی سبز، سومی زرد، چهارمی سبز و بقیه‌ی واگن‌ها خالی است که بچه‌ها باید به‌صورت گروه‌ی آن را ادامه می‌دانند.

- خب بچه‌های نازنینم، اسم درسی که امروز یاد گرفتیم الگو بود. بعد از به‌صورت آمدن زنگ، معلم از بچه‌ها می‌خواهد تا زنگ را به‌صورت الگویی با هم بزنند و خودش شروع می‌کند به خواندن: «دینگ‌دینگ، دانگ‌دینگ، دینگ‌دانگ، دینگ‌دینگ‌دانگ» همه‌ی بچه‌ها تکرار می‌کنند و قرار می‌گذارند که در آن روز هر الگویی را که دیدند فردا در کلاس بگویند.



معلم به شش نفر از اعضای گروه یک توپ رنگی (کاغذ رنگی) می‌دهد و ترتیب ایستادن آن‌ها را در کنار هم مشخص می‌کند. ترتیب رنگ‌ها به این شکل است: سبز، زرد، سبز، زرد، سبز، زرد.

نفر هفتم که روبه‌روی آن‌ها ایستاده است، بیست ثانیه فرصت دارد تا این رنگ‌ها و ترتیبشان را به ذهن بسپارد.

بعد از ۲۰ ثانیه، بچه‌ها دستشان را به پشتشان می‌برند و توپ‌ها را مخفی می‌کنند. سپس دانش‌آموز دانه‌به‌دانه ترتیب را از سمت چپ می‌گوید و در نهایت همه‌باهم یک دور این رنگ‌ها را می‌خوانند. سپس معلم به هر گروه تکه‌ی دوم جورچین را می‌دهد.

به همین ترتیب گروه‌های بعدی نیز این کار را انجام می‌دهند. (می‌توان برای سرعت کار، این بازی را دو یا سه گروه در کنار هم هم‌زمان انجام دهند. بهتر است رنگ‌ها در هر گروه متفاوت باشد).

- خب بچه‌ها، آیا تا اینجا به شما خوش گذشته است؟

- بله.

- بریم سراغ ادامه‌ی مسابقه.

مرحله‌ی سوم

معلم از قبل در حیاط (کلاس) با گچ چهارده خانه در کنار هم کشیده است که هر کدام به‌ترتیب رنگ‌های سفید، زرد، سفید، زرد و... دارند.

- خب، گروه قرمز بیاید پشت این خانه‌ها و پشت سرهم بایستند. نفر اول همین‌طور روی خانه‌های زرد می‌پرد و روی سفیدها نمی‌پرد تا برسد به آخرین خانه‌ی زرد.

نفر دوم هم روی خانه‌های زرد می‌پرد و روی سفیدها نمی‌پرد



← طرح درس با انرژی

هدف آموزشی: کار گروهی، یادگیری بحث انرژی.
مخاطب: پایه‌های چهارم، پنجم و ششم.

- سلام بچه‌های عزیزم، امروز می‌خواهیم با هم یک بازی جذاب انجام دهیم که چند مرحله دارد.

مرحله اول

ابتدا بچه‌ها گروه‌بندی می‌شوند و بعد معلم به هر گروه یک بطری می‌دهد که در آن خیلی سفت است و داخل آن یک کاغذ قرار دارد که درون آن چیزی نوشته شده است. معلم از بچه‌ها می‌خواهد، بدون استفاده از زور و فقط با فکر، در بطری را باز کنند.

باید بچه‌ها را راهنمایی کنید که خودشان به کارهایی که باعث باز شدن در بطری می‌شود برسند؛ مثلاً بطری را کنار شوفاژ بگذارند تا گرم شود یا در بطری را با بخار دهان (هاکردن) گرم کنند یا از آب گرم استفاده کنند. گرمای لامپ هم مفید است و می‌تواند در بطری را به راحتی باز کند یا هر راه دیگری که به ذهنتان می‌رسد. درون بطری یک تکه کاغذ قرار دارد که روی آن نوشته شده است: «آیا انرژی یک گنج است؟» این مرحله بیست امتیاز دارد.

مرحله دوم

در مرحله بعد، معلم از بچه‌ها می‌خواهد تا با کاغذهایی که به هر گروه داده می‌شود، یک قایق درست کنند و آن را داخل تشت پر از آب قرار دهند و بدون استفاده از دست و فوت، این قایق را به طرف دیگر تشت برسانند. برای آن‌ها زمان ثبت می‌شود و به ترتیب هر گروه بازی را انجام می‌دهد و با توجه به مدت زمانی که استفاده کرده است، امتیاز این مرحله را می‌گیرد. بچه‌ها می‌توانند، با استفاده از بادبزن و پنکه، قایق خود را به طرف دیگر تشت برسانند.

مرحله سوم

در مرحله بعد، معلم دانش‌آموزان را به نمازخانه می‌برد. با چسب کاغذی روی زمین یک مستطیل به طول سه متر و عرض یک متر مشخص می‌کند. وسط هر مستطیل، به صورت خطی و موازی با طول مستطیل، چند توپ کوچک پینگ‌پنگ می‌گذارد.

- گروه‌ها دوبه‌دو باهم مسابقه می‌دهند و هر گروه در دو طرف مستطیل و موازی با طول آن می‌ایستد (هر گروه چهار نفره است).

دو گروه در جای خود قرار می‌گیرند و سعی می‌کنند با فوت کردن، توپ‌ها را از خط تیم حریف عبور دهند. خط



تیم حریف همان طول مستطیل است که هر گروه پشت آن ایستاده است. هر گروهی که زودتر همه‌ی توپ‌ها را از خط تیم مقابل عبور دهد، برنده است. گروه‌های برنده بیست امتیاز و بازنده پانزده امتیاز کسب می‌کنند. (می‌توان یک میز مستطیل شکل را به جای زمین بازی قرار داد تا بچه‌ها مجبور به دراز کشیدن یا خم شدن زیاد نشوند).

مرحله چهارم

در مرحله بعد، به هر گروه یک خط کش داده می‌شود، معلم از بچه‌ها می‌خواهد یک پاک‌کن را بدون پرتاب کردن و دست زدن به آن و با کمک خط کش به داخل لیوانی که در حدود سه متری آن‌ها قرار دارد، بیندازند.

همه‌ی گروه‌ها در کنار هم قرار گرفته‌اند و هر گروه لیوان مخصوص به خود را دارد. با استفاده از خط کش باید پاک‌کن را به داخل لیوان بیندازند. پس از هم‌فکری (حدود دو دقیقه)، مسابقه آغاز می‌شود. اکثر گروه‌ها

چوبی یک چرخ می‌سازد؛ یونولیت را به صورت دایره در می‌آورد و سیخ چوبی را در وسط آن قرار می‌دهد، به گونه‌ای که از دو طرف به یک اندازه بیرون بزند. سپس قاشق‌های یک بار مصرف کوچک را داخل یونولیت و دورتادور آن فرو می‌کند. سر قاشق به سمت بیرون باشد. معلم یک تکه نخ را به وسیله‌ی گیره‌ای به یک سر سیخ چوبی وصل می‌کند. انتهای نخ یک لیوان وجود دارد که درونش یک تکه کاغذ دیده می‌شود. زیر این چرخ‌های ساخته شده است، یک تشت آب گود می‌گذارد.

در این مرحله یک نفر از اعضای هر گروه در کنار چرخ قرار می‌گیرد و بقیه‌ی اعضا در فاصله‌ی چند متری او هستند. در دست فردی که کنار چرخ ایستاده است، یک نخ چند متری هست که یک سر آن را بقیه‌ی اعضا در دست دارند. آن‌ها باید کارت‌های امتیاز گروه خود را با توجه به مراحل قبل به هم گروهی خود برسانند. در دست اعضای گروه یک بادکنک و یک لوله‌ی خودکار و چسب نیز وجود دارد.

آن‌ها نباید از خط تعیین شده جلوتر بروند؛ اما باید با یک ایده این کارت‌ها را به دست هم گروهی خود برسانند. سپس هم گروهی آن‌ها باید به میزان همان امتیازها آب بردارد. (بطری‌های آب امتیاز بندی شده‌اند و هر بطری ۱۰ امتیاز نیاز دارد که بتوان آن را برداشت). در تجربه‌ی شخصی نگارنده در این طرح درس گروه‌ها این گونه عمل کرده‌اند:

یک گروه نخ را درون لوله‌ی خودکار کرده و بادکنک را با چسب به لوله‌ی خودکار چسبانده است. بادکنک را باد کردند و کارت‌های امتیاز را نیز به خودکار چسبانند. سپس سعی کردند تا با باد این خودکار را به هم گروهی خود برسانند.

گروه دیگر چند نفری روی کول هم قرار گرفتند و سطح مرتفعی را ایجاد کردند. سر نخ را در دست گرفتند و از هم گروهی خود خواستند که سر دیگر نخ را به سمت پایین بگیرد تا یک شیب تند ایجاد شود. نخ را از درون لوله‌ی خودکار رد کردند و کارت‌های امتیاز را که به لوله چسبانده بودند، به هم گروهی خود رسانند. هم گروهی آن‌ها باید متناسب با کارت‌های امتیاز آب بر می‌داشت و روی چرخ می‌ریخت تا چرخ بچرخد و لیوان بالا بیاید تا آن را بگیرد.

همه‌ی افراد پشت سر هم این کار را انجام دادند و سپس روی کاغذ را همه با هم خواندند. روی آن نوشته شده بود: «انرژی واقعاً گنج است و باید قدر آن را بدانیم.»

در آخر معلم بعد از توضیح انرژی و بحث و گفت‌وگو در مورد آن، از گروه‌ها می‌خواهد تا بنویسند در هر مرحله چه انرژی‌ای استفاده شده و به چه چیزی تبدیل شده است.



نخست یک تکیه‌گاه در وسط خط کش قرار می‌دهند و چیزی شبیه اهرم یا الکلنگ می‌سازند. پاک‌کن را در یک طرف خط کش می‌گذارند و با قراردادن وسیله‌ی دیگری در آن طرف خط کش، سعی می‌کنند پاک‌کن را به داخل لیوان پرتاب کنند.

گروه‌ها مدام تکیه‌گاه را جابه‌جا می‌کنند، جلو و عقب می‌برند و حتی آن را عوض یا کوتاه‌وبلند می‌کنند یا وسیله‌ای را که روی خط کش گذاشته‌اند تعویض و وزن آن را کمتر و بیشتر می‌کنند یا وسیله را با شتاب بیشتری روی خط کش می‌گذارند تا پاک‌کن با سرعت و فاصله مناسب به داخل لیوان پرت شود.

معلم به بچه‌ها زمان باقی‌مانده را یادآوری می‌کند. بچه‌ها با سرعت عمل بیشتری این کار را انجام می‌دهند. با موفقیت در این مرحله بیست امتیاز دیگر می‌گیرند.

مرحله پنجم

در این مرحله معلم با یونولیت و قاشق بستنی و سیخ

چگونه برخورد خود با سؤالات دانش آموزان را مدیریت کنیم؟

بی بی طاهره جمال الدینی عز آبادی / آموزگار و سرگروه آموزشی استان یزد
سعیده السادات جمال الدینی عز آبادی / آموزگار و سرگروه آموزشی استان یزد

از آنجا که سؤال پرسیدن دانش آموزان بخشی از تدریس است، در این مقاله انگیزه‌های دانش آموزان در سؤال پرسیدن بیان می‌شود. سپس به این موضوع می‌پردازیم که معلم در مواجهه با سؤال دانش آموز چه فضایل اخلاقی و حرفه‌ای باید داشته باشد. در نهایت هفته اصل مواجهه با سؤال دانش آموز مطرح می‌شود. هر کدام از این هفته اصل در زمان و مکان مناسب خود می‌تواند راهکاری برای مدیریت نحوه برخورد با سؤال دانش آموز و تعمیق اهداف آموزشی و پرورشی باشد. هدف از این مقاله اصلاح برخی انگاره‌های ذهنی معلمان در رابطه با سؤال دانش آموز است تا بدین وسیله یادگیری بهتر انجام شود.



فضایل اخلاقی معلم در مواجهه با سؤال

مهم این است اگر معلمی بخواهد نوع مواجهه‌ی خود را مدیریت کند، باید به‌سراغ انگاره‌ها برود و بازنگاری یا اصلاح کند. پس از تأمل روی انگاره‌های ذهنی‌اش باید مجموعه‌ای از فضائل شخصیتی هم در خود ایجاد کند تا نوع مواجهه‌ی او با پرسش‌های دانش آموز اخلاقی باشد.

فضایل حرفه‌ای معلم



انگاره‌های ذهنی معلمان از سؤال دانش آموزان

گاهی ممکن است پرسش دانش آموز دشمنی، کینه‌ورزی، محک معلم، دخالت در تدریس و ... تلقی شود. در نتیجه نمی‌توان مواجهه‌های اخلاقی با پرسش دانش آموز داشت؛ اما گاهی ممکن است این پرسش مثبت تلقی شود. با این دیدگاه پرسشگری مایه‌ی تعامل، یادگیری بیشتر و بهره‌وری بالاتر کلاس می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین مواجهه‌ی معلم انگاره‌های ذهنی اوست. برای یافتن انگاره‌های ذهنی خود به این سؤال پاسخ دهید: «به پرسش دانش آموز خودتان چگونه نگاه می‌کنید؟»

انگاره‌ها از سؤال دانش آموز

حق انگاری

تهدید

فرصت یادگیری

فضولی انگاری

عامل اثر بخشی

حالت گیری و ضایع کردن

دشمنی

اصول هفده گانه‌ی مواجهه با سؤال دانش آموز

۱۰. تمایز بین انگیزه‌ی سؤال و خود سؤال	۱. حق‌انگاری
۱۱. مواجهه‌ی مشفقانه با انگیزه‌های ناروا	۲. هنر گوش دادن
۱۲. بخشودن	۳. تشویق سؤال کننده
۱۳. مشارکت طلبی	۴. تلاش برای فهم درست سؤال
۱۴. فرصت عادلانه به همه برای سؤال پرسیدن	۵. بازسازی سؤال با مشارکت سؤال کننده
۱۵. مدیریت مواجهه‌ی کلاس با سؤال	۶. مواجهه‌ی صادقانه با سؤالی که نمی‌دانیم
۱۶. نقدپذیری	۷. وفای به عهد و ارائه‌ی پاسخ در وقت مناسب
۱۷. انتقال مهارت‌های تشخیص مسئله	۸. ارجاع به متخصص
...	۹. دقت در جواب

است اتفاق بیفتد، نقد کردن است. معلم باید مواجهه با نقد کردن و ادب نقدپذیری را یاد بگیرد. [۷]

● اصل هفدهم: انتقال مهارت‌های تشخیص مسئله

خیلی اوقات سؤال دانش آموز سؤال کاذبی است و مسئله‌ی اصلی چیز دیگری است و این بخشی از سواد دانش آموز را نشان می‌دهد. معلم باید به او کمک کند تا مسئله را از مسئله‌نما تمیز دهد.

در نهایت باید گفت اگر معلم سؤال دانش آموز را حق و فرصتی برای وی نمی‌داند، باید در انگاره‌های خودش بازنگری کند. در این راه احتیاج به مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی پایه دارد که باید آن‌ها را تقویت کند. همچنین برای مواجهه‌ی رفتاری با سؤال دانش آموز از اصول هفده گانه‌ی مطرح شده در این مقاله بهره برد. این روش می‌تواند در سرنوشت علمی و اخلاقی آینده‌ی جامعه‌ی ما بسیار تأثیرگذار باشد.

منابع

۱. ابو گاراد، یخسودن، ترجمه‌ی خشایار دیهیمی، چاپ ششم، نشر گمان، ۱۳۹۷.
۲. زارعی متین، حسین و حاج کریمی، فاطمه، اخلاق کاری اسلامی، نشر ادیان، ۱۳۹۲.
۳. فرامرز فراملکی، احد، اخلاق حرفه‌ای در مدرسه، چاپ چهارم، نشر مجنون، ۱۳۹۴.
۴. «ادب نقدپذیری»، فصلنامه‌ی نقد کتاب فقه و حقوق، ۱۳۹۴.
۵. مرتضوی، مهدی و زارع پور، فضل‌الله، حرفه‌گرایی در مدیریت، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۹۰.
۶. نیما قربانی، سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی، نشر بینش نو، ۱۳۹۶.
۷. هاشم‌آبادی، مرضیه و شفائی، طاهره، نقش راهبردی حرفه‌گرایی و مسئولیت اجتماعی، اجلاس بین‌المللی کسب و کار، فرصت‌ها و چالش‌ها، ۱۳۹۵.

سعه‌ی صدر، حلم و بردباری، درستکاری و صداقت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن از ویژگی‌هایی هستند که معلم باید داشته باشد. مسلح بودن به دانش روز و داشتن هوش هیجانی نیز کمک زیادی به کنترل رفتار خواهد کرد. هر معلم باید مهارت کنترل و مدیریت احساسات خودش را داشته باشد. [۴]

اصول هفده گانه‌ی مواجهه با سؤال دانش آموز

پس از تأمل در مورد انگاره‌های ذهنی و تقویت فضایل شخصیتی، به کارگیری هفده اصل پرکاربرد اخلاقی در مواجهه با سؤال، ما را در مدیریت برخوردمان با سؤال دانش آموز کمک خواهد کرد.

● اصل اول: حق‌انگاری سؤال

معلم باید سؤال را حق دانش آموز بداند، چون پرسیدن هم بخشی از فرایند یادگیری تلقی می‌شود.

● اصل دوم: خوب گوش دادن

معلم باید موقع پرسش دانش آموز دقیقاً به او توجه کند و بی‌اعتنایی از خود نشان ندهد.

● اصل سوم: تشویق سؤال کننده

تشویق کردن می‌تواند دانش آموز را پرسشگر تربیت کند.

● اصل چهارم: فهم درست و دقیق سؤال

اگر معلم به‌درستی منظور سؤال دانش آموز را بفهمد، به خوبی می‌تواند به او پاسخ دهد.

● اصل پنجم: مشارکت سؤال کننده در بازسازی سؤال

از دانش آموزان نمی‌توان انتظار داشت که پرسش‌های بسیار دقیق و حساب شده‌ای مطرح کنند. معلم باید به دانش آموز خودش کمک کند تا پرسش او پخته شود و در این راه از خود سؤال کننده کمک بگیرد.

● اصل ششم: مواجهه‌ی صادقانه با سؤالی که نمی‌دانیم

معلم باید به‌راحتی در مقابل سؤالی که نمی‌داند، بگوید نمی‌دانم. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه فرمودند: «هرکس چیزی را نمی‌داند، بگوید نمی‌دانم.»

● اصل هفتم: وفای به عهد و ارائه‌ی پاسخ در وقت مناسب

اگر معلم پاسخ سؤال را به وقتی دیگر موکول کند، باید مواظب باشد حتماً به وعده‌ی خودش عمل کند.

● اصل هشتم و نهم: ارجاع به متخصص و دقت در جواب

طبیعی است در صورتی که معلم پاسخ سؤال را نمی‌داند؛ دانش آموز را به یک متخصص ارجاع دهد.

● اصل دهم و یازدهم: تمایز انگیزه‌ی سؤال از خود سؤال و مواجهه‌ی مشفقانه با انگیزه‌های ناروا

حتی اگر معلم از انگیزه‌ی ناروای دانش آموزی مطمئن هم شد، بهتر است مشفقانه نادیده بگیرد و به اصل سؤال بپردازد.

● اصل دوازدهم: بخشیدن دانش آموز

برخی به‌سراغ مقابله‌به‌مثل می‌روند و برخی طرفدار بخشیدن‌اند. بهتر این است که یک معلم بتواند انگیزه‌های ناروای دانش آموزان را ببخشد. [۵]

● اصل سیزدهم: مشارکت طلبی

بیشتر اوقات در کلاس یک یا دو دانش آموز سؤال می‌پرسند و بقیه تماشا می‌کنند، معلم باید دیگران را هم وارد کارزار سؤال کند.

● اصل چهاردهم: ایجاد فرصت عادلانه برای همه

باید فرصت برابر به همه‌ی دانش آموزان داده شود (عدالت توزیعی). همچنین نوع رفتار ما با همه‌ی دانش آموزان باید عادلانه باشد (عدالت رویه‌ای).

● اصل پانزدهم: کنترل مواجهه‌ی کلاس با سؤال دانش آموز

معلم با رفتار مناسب می‌تواند برخی کج رفتاری‌ها از قبیل مسخره کردن، خودشیرینی و ... را در کلاس مدیریت کند تا راه برای تقویت پرسشگری باز شود.

● اصل شانزدهم: نقدپذیری

آنچه در کلاس، علاوه بر پرسشگری، ممکن

هسته کولک



علی اکبری، راهبر آموزشی تربیتی مدارس عشایری شهرستان نهبندان، استان خراسان جنوبی

بازی‌های بومی - محلی بستر انتقال بسیاری از مفاهیم آموزشی و تربیتی مبتنی بر فرهنگ هر منطقه است و گنجینه‌ای غنی برای رشد قوای جسمی و البته توان ذهنی کودکان فراهم می‌کند؛ بازی هسته کولک از بازی‌های محلی خراسان جنوبی است که با آن آشنا می‌شویم:

اهداف بازی: پرورش هوش (هوش منطقی ریاضی، هوش سیال و...)، پرورش مهارت دقت، پرورش مهارت تمرکز، پرورش مهارت تفکر، تقویت دستگاه تنفسی، پرورش مهارت‌های مشاهده، حل مسئله، یادگیری، خلاقیت، برنامه‌ریزی، حسابداری، اعتماد به نفس، مشارکت و...

وسایل بازی: در این بازی می‌توان از مهره‌های رنگی و... استفاده کرد.
مکان بازی: زمینی با مساحت ۲×۲ یا بیشتر. (تقریباً در هر مکان یا فضایی می‌توان این بازی را انجام داد).

شرح بازی: در ابتدا قانون بازی و اینکه چند مرحله ادامه باید تا برنده اعلام شود، با مشارکت دو طرف بازی بیان می‌شود. اصل بازی در مناطق عشایری و بدون هیچ‌گونه هزینه و محدودیتی با ساده‌ترین مهره‌ها و روی زمین خاکی انجام می‌شده است؛ اما این بازی قابلیت آن را دارد که در مدرسه‌های شهر و روستا و همچنین دوره‌های خانوادگی و در فضاهای متعدد دیگر و گروه‌های سنی متعدد (ابتدایی، متوسطه و...) انجام شود. شرح این بازی چنین است:

۱. بازی حداقل با دو نفر شروع می‌شود.
۲. هر نفر دو یا سه خانه دارد؛ یعنی بازی دونفره جمعاً چهار یا شش خانه و بازی سه‌نفره شش یا نه خانه می‌تواند داشته باشد.
۳. این خانه‌ها به صورت حفره‌های کوچکی روی زمین یا استفاده از ظرف‌های کوچک ایجاد می‌شوند. مثلاً در بازی دونفره چهار یا شش ظرف روبه‌روی هم قرار می‌گیرد.
۴. برای هر خانه نه مهره‌ی رنگی جمع‌آوری می‌شود. مهره‌های هر کدام از افراد شرکت‌کننده در بازی باید با مهره‌های دیگری از نظر رنگ یا اندازه متفاوت باشد که بتوان آن‌ها را شناسخت و به راحتی از هم تفکیک کرد. بازیکنان داخل هر ظرف نه مهره می‌گذارند.
۵. بازی با قرعه‌انداختن شروع می‌شود، نفر اول مهره‌های یکی از خانه‌ها را برداشته و یکی از آن مهره‌ها را در خانه‌ی شروع قرار می‌دهد و به ترتیب در هر یک از خانه‌های خود و رقبه، از راست به چپ، یک مهره می‌گذارد و همین‌طور ادامه می‌دهد تا مهره‌هایی که برداشته است تمام شود.
۶. چنانچه مهره‌ی آخر در خانه‌ی زوج باشد، آن خانه را به نفع خود خالی می‌کند و نه مهره‌ی آن خانه را برای خود بر می‌دارد. وی همچنین باید مهره‌های خانه‌های قبل را هم بشمارد. هر کدام از خانه‌های پیشین تعداد مهره‌هایش زوج باشد، می‌تواند آن‌ها را هم به نفع خود بردارد.
۷. نفر بعدی به همین شکل از یکی از خانه‌های خودش بازی را شروع می‌کند و بازی به همین منوال ادامه می‌یابد.
۸. در نهایت هر کس تعداد مهره‌ی بیشتری ببرد، برنده‌ی بازی اعلام می‌شود.



آموزش تصویری بازی
هسته کولک



نکات مهم بازی: خانه‌ی شروع انتخابی است. قبل از انتخاب

خانه‌ی شروع، با توجه به بازه‌ی زمانی که از قبل تعریف شده است، باید محاسبه کنیم از کدام خانه بازی را شروع کنیم تا بتوانیم در خانه‌ی حریف به عدد زوج برسیم و از طرفی دیگر فرصتی برای رقیب ایجاد نکنیم که بتواند در خانه‌های ما به عدد زوج برسد و آن‌ها را خالی کند. چنانچه هر کدام از رقبای در طول بازی به عدد زوج نرسند و نتوانند هیچ‌گونه امتیازی کسب کنند، شرایط برای ایشان سخت خواهد شد و بایستی یکی از مهره‌ها را با فوت کردن از یک خانه تکان دهد و در تمام خانه‌ها بچرخاند و سرانجام در خانه‌ی آخر قرار دهد. (ظرف‌هایی که به‌عنوان حفره استفاده می‌شود، برای انجام این کار مفید نیستند و در صورتی که بازی به این مرحله برسد، باید روی زمین و با رسم چهار یا شش خانه بازی را ادامه داد.) این عمل «خاک پوفکه» نام دارد. بازی به همین شکل ادامه می‌یابد و در این مرحله شروع کننده نفر بعدی است. بعد از انجام تعداد بازی‌های مورد اتفاق طرفین، فردی که بیشترین بُرد را در بین رقبای داشته باشد، برنده اعلام می‌شود. لازم به ذکر است هم‌زمان چندین گروه می‌توانند این بازی را انجام دهند و در مراحل بعد برنده‌ها در مقابل هم قرار می‌گیرند تا در پایان برنده‌ی نهایی مشخص شود. هرچه تعداد گروه‌ها بیشتر باشد، هیجان بازی افزایش می‌یابد.

- برای آشنایی بیشتر با این بازی حتماً فیلم را مشاهده کنید.



آموزشی
ابتدایی

مهرماه

دوره بیست و ششم

شماره‌ی ۱۴۰۱

۳۵



مهر پراز مهر

عطیه میری

آموزگار پایه سوم ابتدایی، استان لرستان، شهر بروجرده



پاییز که آغاز می‌شود به هر سمتی نگاه می‌کنی کیف‌های رنگارنگ و لباس‌های همسازانه‌ی (فرم) کوچک و دوست‌داشتنی را می‌بینی که در تن بچه‌های دبستانی زیبایی دوچندان دارند. یکی دو سال گذشته به دلیل شیوع بیماری کرونا مجبور بودیم در خانه بمانیم و سال تحصیلی جدید را از پشت گوشی‌ها و رایانه‌ها آغاز کنیم. بستر سامانه‌ی شاد کلاس درسمان شده بود و سعی می‌کردیم شور و حال مهرماه را در همان فضا جریان دهیم. بی‌تردید این ایام با وجود سختی‌هایش درس‌های ارزشمندی نیز دارد که مرور آن‌ها برای ما خالی از فایده نیست. سطور پیش رو نمی‌از دریاست.

با شروع کلاس‌ها جای خالی تعدادی از دانش‌آموزان حس می‌شود. مجازی بودن تدریس‌ها، علاوه بر مزایایش، مشکلاتی هم به همراه داشت. نگرانی‌ام زمانی بیشتر شده بود که فهمیدم چند دانش‌آموز تلفن همراه هوشمند ندارند و تهیه‌ی آن هم برایشان مقدور نیست. ابتدا با هماهنگی مدرسه نشانی منزل و شماره تلفنشان را پیدا کردم و علت غیبتشان را پیگیر شدم. دل در دلم نبود، دوست داشتم همه بتوانند درس بخوانند. از طریق تماس تلفنی و پیامک با بچه‌هایی که تلفن هوشمند نداشتند در ارتباط بودم. تلاش می‌کردم با همان تماس تلفنی به‌بهترین شکل به آن‌ها درس بدهم و از روش تدریس‌های متفاوت استفاده کنم. گاهی

هم، فارغ از درس، کار اصلی من این بود که نگرانی دانش‌آموزان و حتی والدین را برطرف سازم، بتوانم نبود امکانات را به‌شکلی جبران کنم و به آن‌ها دلگرمی بدهم. به نظر من این اصلی‌ترین وظیفه‌ی معلم جدا از امر تدریس است. چند باری هم، با رعایت همه‌ی شیوه‌نامه‌ها و هماهنگی با مدرسه و همکاران دلسوز و توانا، دانش‌آموزانی را که تلفن همراه نداشتند به مدرسه آوردیم و مجدد درس‌ها را توضیح دادم، مرور کردم و تکالیف را سرمشق گرفتم. تصمیم گرفتیم با همین قدم‌های کوچک راهی باشم برای از بین بردن نگرانی آن والدین و آن کودکان معصوم و دوست‌داشتنی که علاقه داشتند با وجود هر سختی که سر راهشان هست، درس بخوانند

آیندازی

مهرماه
دوره بیست و ششم
شماره ۱ | ۱۴۰۱

۳۶



همیشه در هر شرایطی تلاش کرده‌اند تا امر تعلیم و تربیت به بهترین شکل صورت گیرد. این امر منحصر به ایام کرونا نیست و نخواهد بود. در تاریخ همواره شاهد از خودگذشتگی‌ها و دلسوزی‌های معلمان و کارکنان مدرسه بوده‌ایم. می‌دانیم که معلمی شغل انبیاست. به قول شهید رجایی: «معلمی شغل نیست، معلمی عشق است، اگر به‌عنوان شغل انتخابش کرده‌ای، رهایش کن و اگر عشق توست مبارکت باد».

این‌گونه توانستیم، در ایام قهر طبیعت، مهری پر از مهر شکل دهیم. باشد که دلیلی باشیم برای لبخند کودکان. به‌راستی معلم بودن بهترین حس دنیاست.

و آرزویشان را جامه عمل بپوشانند. با کمک چند خیرخواه و چند دوست و همکار که منت‌دار محبتشان هستم و با برگزاری جلسات هم‌اندیشی و کسب کمک از مسئولان مدرسه توانستیم تصمیم خوبی بگیریم. تلاش کردیم چند تلفن همراه تهیه کنیم و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم و این چنین عقب‌ماندگی ماه اول را به‌راحتی جبران کردیم و یادگیری به‌بهترین شکل حاصل شد. با خوش‌حالی بچه‌ها شاد بودیم و با لبخند نظاره‌گر یادگیری بهتر و پیشرفت آن‌ها شدیم.

در ایام کرونا بسیاری از معلمان و همکاران خیرخواه کارهایی از این قبیل زیاد انجام داده‌اند. معلمان دلسوز و توانای کشورمان

مسئله محوری



علیرضا امیر بختی، پژوهشگر
بنیاد تعلیم و تربیت برهان

«آموزش و پرورش» عبارتی است که همه‌ی ما معلمان عمرمان را صرف آن کرده‌ایم و دلمان برای پیشرفت و بهبود آن می‌تپد. با شنیدن کاستی‌های آن احساسات دلسوزانه و خیرخواهانه‌مان غلیان می‌کند و دوست داریم بدانیم برای پیشرفت و تعالی آن چه کار می‌توانیم انجام دهیم. اختصاص چند بند از این متن به ذکر کاستی‌های موجود شاید برای شما خیلی مفید نباشد؛ اما گفت‌وگو درباره‌ی راهکارها احتمالاً بسیار جذاب و امیدوارکننده است. اگر بخواهم در یک جمله تمام حرفم را خلاصه کنم، باید این‌گونه بگویم: «یکی از مهم‌ترین مشکلات در آموزش و پرورش آن است که نظام آموزشی ما مسئله ندارد.» راه‌حل این مشکل، مسئله‌محور کردن آن است. دانش‌آموز ما نمی‌داند مدرسه‌رفتن و درس خواندن قرار است چه دردی را از خودش یا جامعه‌ی اطرافش درمان کند. همه‌چیز از همین‌جا نشئت می‌گیرد. مسئله‌محور کردن آموزش چیست و چگونه صورت می‌گیرد؟ پاسخ دقیق‌تر آن را در شماره‌ی بعدی همین مجله دنبال کنید و بعد از آن کار به عهده‌ی شما خواهد بود.

قرار است شما تجربیات مسئله‌محورتان را برای انتشار در مجله برای ما ارسال کنید. اما اینجا در حد چند گزاره‌ی کوتاه منظورم را توضیح می‌دهم. مستقیم می‌روم سراغ کلاس‌های درس ریاضی و علوم و اجتماعی شما. آنجایی که می‌خواهید ضرب دورقم در دورقم، اجزای سازنده‌ی گیاه یا مفهوم قانون را به هر ترفندی که از عهده‌اش برمی‌آید و امکانات و محدودیت‌ها به شما اجازه می‌دهند، بهترین شکل به شاگردانتان یاد دهید. کافی است یک قدم به عقب برگردید و خودتان را جای دانش‌آموزتان بگذارید. از خود بپرسید: «من برای چه مسئله‌ای باید برای یادگیری این مباحث تلاش کنم؟» همین سؤال آغاز راه است و شما را وا می‌دارد که فرایند تدریس خود را از رهگذر مسئله‌ای دنبال کنید و بچه‌ها را نیز مسئله‌مند سازید. زندگی فردی



به‌بهای مهر

الیه دیمی، آموزگار پایه سوم ابتدایی و سرگروه آموزشی
پایه‌های دوم ابتدایی استان فارس



صدای قدم‌های مهر را با شنیدن خش‌خش برگ‌ها و قیل‌وقال کودکان و عطر نفس‌های مسیحایی معلم می‌توان حس کرد. پاییز هزار رنگ با مهرش مهر گستر می‌شود و بانگ زنگ مدرسه شورآفرینش می‌سازد.

آموزگار سرزمینم،

بار دیگر آمده‌ای تا با قدم‌های استوارت در کلاس درس مهر را معنا کنی و مهریانی را از کودکان باحساس بیاموزی و با تسخیر قلب‌های مملو از شورشان یادگیری را عمق بخشی. واژه‌ها را ترانه سازی و ترانه‌ها را بسرایی تا مفهوم زندگی را معنا کنی، در سطر سطر کتاب درس.

مهر آمد تا لبخند از لبان کودکان میهنم دور نشود و محبت در نگاهشان موج زند، در کلاس علم و احساسات.

مهر آمد تا کودکان کلاسمان آن قدر به دنبال خورشید دانایی بدون تا آخر سر ماه شوند.

آری، در پاییز مهر گستر می‌خواهیم تمام واژه‌ها را در چراغانی چشم‌های فرزندان کلاس مهمان کنیم و از باغ رضوان دستانمان زیباترین نسترن‌ها را به ضیافت نور و ترانه ببریم.

آموزگار سرزمینم،

تو در گلشن جانت عطری پراکندی که می‌خواهی بهشت کودکان کلاست را رقم زنی و با هر آموزشت معنای عشق شوی برای زیبایستن.

ای دانای باحساس،

درود و سپاس که بی‌سلام نگذشتی از کنار آن کودک.

دست تکان دادی برای خنده‌های یک کودک.

تو در مهر، مهر ورزیدی و نور پاشیدی تا مهرت را با ترنم ساز آموزشت سمفونی عشق سازی.

درود بر تو که پند استاد مطهری را در تفکرت پروراندی که اندیشیدن را بیاموزی و نه اندیشه‌ها را.

مهرت پر مهر که آموزگار محبتی و تا مدار ماه شاگردت را شیدا می‌کنی. مهرتان مانا!



و محیط پیرامون دانش‌آموزان ما سراسر مسئله است و ما در اکثر مواقع دانش‌آموزان را لایق برای حل آن‌ها نمی‌دانیم. آن‌ها را در کلاس درس می‌نشانییم و می‌خواهیم پاسخ‌های آماده‌ای را که دیگران به مسائل خود داده‌اند، بدون درک آنچه پشت آن‌ها می‌گذرد، حفظ کنند.

در واقع حل مسئله پاسخی است به نیازهای درونی دانش‌آموزان و بستری است برای تحقق اهداف آموزشی که سرفصل‌های کتاب درسی برای ما مشخص کرده است. نتیجه‌ی آموزش بر مبنای ایجاد مسئله برای دانش‌آموز آن است که شوق یادگیری و کیفیت و پایداری آن در شاگردان و مسئولیت‌پذیری آن‌ها به خودشان، خانواده‌شان و جامعه‌ی اطرافشان افزایش چشم‌گیری خواهد داشت. حتماً حوصله‌تان را سر برده‌ام و با خود می‌گویند: «این حرف‌ها خیلی کلیشه‌ای است و اگر مردی، بیا کف میدان کلاس و بگو باید چه کار کنیم؟» متأسفانه ظرفیت تعداد کلمات من برای نگارش این متن رو به اتمام است. به امید خدا در شماره‌ی بعدی و در بخش اختصاصی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با عنوان «یادگیری مسئله‌محور» آن قدر مثال می‌زنم که کاملاً هم‌فکر و هم‌دما و شاید هم خسته شوید. بعد از آن هم که محتوای این بخش را خود شما تأمین خواهید کرد. برای آغاز یک سفر طولانی و جذاب تا پایان سال تحصیلی آماده باشید. شاید پاسخ سؤالی را که در ابتدای این مطلب مطرح کرده‌ام بگیرید: «به‌راستی ما معلمان چه کار می‌توانیم انجام دهیم؟»



آموزشی
ابتدایی

مهرماه

دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱۴۰۱

۳۹

کلاس شما هم فرمانده انرژی دارد؟

چند روش ساده برای تقویت مسئولیت پذیری در دانش آموزان

خواهند داد. موضوع را به گونه ای مطرح می کنم که دانش آموز فکر نکند کار سختی به او محول شده است. طوری وظایف را برایش تشریح می کنم که خود را برای انجام آن توانا بباید و بداند کار مهم و ارزشمندی انجام خواهد داد. دانش آموزانم با مسئولیت هایی مانند؛ بهداشت یار و نماینده ی کلاس آشنا هستند؛ اما سایر مسئولیت ها برایشان تازگی دارد. مثلاً می پرسند: «دادستان یعنی چه؟» هدفم از این چنین نامگذاری برای مسئولیت ها، آشنایی دانش آموزان با جریان زندگی در



زهره نصیری، آموزگار پایه ششم ابتدایی، استان زنجان

وارد کلاس می شوم. هر کدام از دانش آموزان مشغول کاری هستند. یکی کتابش را گشوده و منتظر است کلاس شروع شود. یکی مدادش را تراش می کند و... چند نفر هم با هم درباره ی نمایشی که قرار است اجرا کنند، صحبت می کنند. یک باره فکری در ذهنم جرقه می زند و باعث می شود مسئولیت سنگینی بر دوشم احساس کنم. به ذهنم می رسد این بچه ها بزرگ سالان آینده اند، مادران آینده، مردمان آینده و... از همان لحظه تصمیم می گیرم در عین اینکه دانش آموزانم را کودکان امروز می بینم و لازم می دانم با زبان کودکی با آن ها سخن بگویم، هرگز فراموش نکنم آنان بزرگ سالان آینده اند و فردای جامعه را خواهند ساخت.

با این دیدگاه تصمیم می گیرم کلاس را به صورت منظم و قانون مند، برای دانش آموزان مسئولیتی را تعریف کنم. البته این کار، علاوه بر تقویت مسئولیت پذیری، چند هدف دیگر را هم دنبال می کند، از جمله تقویت اعتماد به نفس در دانش آموزان و آشنایی با نقش ها و مسئولیت هایی که در جامعه وجود دارد.

برای اجرای ایده ام، ابتدا چندین مسئولیت تعریف می کنم: نماینده ی کلاس، مسئول کلاس، دادستان، فرمانده ی انرژی، کتابدار، بهداشت یار، شهر دار، معلم یار.

همه ی این مسئولیت ها را در کلاس توضیح می دهم و به دانش آموزان این اطمینان را می دهم که در طول سال تحصیلی، همگی، تک تک آن ها را به صورت هفتگی تجربه خواهند کرد و در پایان دوره ی مسئولیت هر دانش آموز، هم کلاسی هایش درباره ی کیفیت کار او نظر



جامعه‌ای بزرگ‌تر از مدرسه است. برایشان شرح می‌دهم: مسئولیت دادستان در کلاس ما، رسیدگی به اختلافات بین دانش‌آموزان است. پس اگر مشکلی برای هر یک از شما پیش آمد و نتوانستید آن را حل کنید، نزد من نیایید، بلکه به دادستان مراجعه کنید. اگر به نتیجه‌ای نرسیدید، من رسیدگی خواهم کرد. شهردار کلاس موظف است با همکاری دانش‌آموزان به امور جاری کلاس و نیازمندی‌های آن رسیدگی کند. کتابدار مسئول کتابخانه‌ی کوچک کلاس

است که کتاب‌های آن را در ابتدای سال، خود دانش‌آموزان به امانت آورده‌اند و در پایان سال سالم تحویل خواهند گرفت. فرماندهی انرژی موظف است سرساعت مشخص که کلاس به اندازه‌ی کافی روشنایی دارد، چراغ‌ها را خاموش کند و هنگام ترک مدرسه از خاموش بودن چراغ‌های کلاس مطمئن شود. همچنین اگر در آب‌خوری شیر آبی چکه کرد، آن را به اطلاع سرایدار مدرسه برساند. در پایان هر هفته، ضمن قدردانی از مسئولان آن هفته، مسئولان هفته‌ی آینده

مشخص می‌شوند. همه‌ی دانش‌آموزان با تمرین و تأکید در طول سال می‌آموزند آخر هر هفته نظر واقعی‌شان را درباره‌ی کیفیت کار دوستانشان بگویند و از نظر یکدیگر نرنجند؛ چون می‌دانند این کار برای بهتر شدن وضعیت کلاس است. هنگامی که سال به پایان می‌رسد، خود دانش‌آموزان برای هر مسئولیت بهترین مجری را مشخص می‌کنند. سپس با یک لوح تقدیر از آنان قدردانی می‌شود. این تجربه‌ی عملی به من نشان داد با این کار، علاوه بر همه‌ی هدف‌های مشخص شده، امور آموزشی و پرورشی کلاس با نظم بهتری انجام می‌شود و از طرفی مشکل دانش‌آموزانی که با مسائلی مثل خجالتی بودن، نداشتن اعتمادبه‌نفس، بیش‌فعالی و ... روبه‌رو بودند، تا حد زیادی برطرف می‌شود.

با دادن مسئولیت به کودکان در واقع به آنان شخصیت اعطا می‌کنیم. احساس مفید بودن و داشتن شخصیت، کودک را متوجه این مهم می‌کند که وجودش چقدر ارزشمند و تأثیرگذار است و می‌تواند تحول آفرین باشد.

البته شاید تعدادی از دانش‌آموزان درباره‌ی برخی از مسئولیت‌ها چندان موفق عمل نکنند. در این صورت باید آن‌ها را همراهی و نیز به سبب موفقیتشان در مسئولیت‌های دیگر تشویق کرد. به این ترتیب تا حد زیادی به استعدادها و توانمندی‌ها و در عین حال ضعف‌های هر دانش‌آموز پی می‌بریم و می‌توانیم برای او برنامه داشته باشیم.

آنچه گفته شد، تجربه‌ای عملی برای تقویت مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان بود؛ اما نباید فراموش کرد نتیجه‌بخشی آن به رابطه‌ی مهرورزانه و سالم معلم با دانش‌آموزان نیاز دارد. ما در حال تعلیم و آموزش به کودکان هستیم؛ پس باید خطاهای آنان را نیز ببزرگیم و هدایتشان کنیم تا عملکردشان را اصلاح کنند. نباید آن‌ها را از اشتباه کردن ترساند. اگر دانش‌آموزان در رویارویی با مسائل، اطلاعات داشته باشند و از اشتباهات خود درس بگیرند، بهتر می‌توانند انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر باشند. در عین حال لازم است به آنان یادآوری کرد در هر شرایطی باید تبعات اشتباهشان را بپذیرند و از راه صحیح سعی در جبران آن داشته باشند.

تقویت مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان با ارزش‌ترین هدیه‌ای است که می‌توان به آن‌ها داد؛ چراکه در این صورت آن‌ها می‌توانند از خود مراقبت کنند و در آینده افرادی مسئولیت‌پذیر و متعهد و تأثیرگذار باشند.



کارت بازی

یک دست بازی را مرور کنیم:
من این شعر را انتخاب می‌کنم و می‌خوانم:
قایقی خواهیم ساخت. خواهیم انداخت به آب. دور خواهیم شد از این
خاک غریب.
پشت دریاها شهری است،
که در آن پنجره‌ها رو به تجلی باز است.
بام‌ها جای کبوترهایی است که به فواره‌ی هوش بشری می‌نگرند.
دست هر کودک ده ساله‌ی شهر، شاخه‌ی معرفتی است.

امیر ذوقی، آموزگار ابتدایی



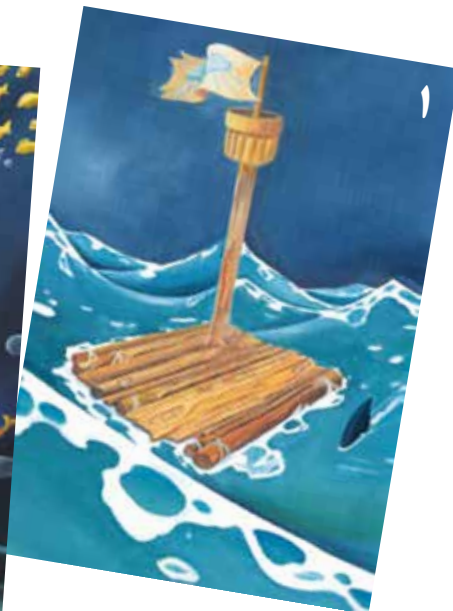
طراح بازی آموزشی

فرض کنیم الان همه‌ی بازی‌کنان کارت‌های موردنظرشان را به من
تحویل داده‌اند و من هم کارت‌ها را بعد از به‌هم‌زدن به این ترتیب
روی زمین قرار می‌دهم.
حالا می‌توانید حدس بزنید کدام یک از این کارت‌ها برای من
هستند؟
کمی فکر کنیم...
بیشتر فکر کنیم...
اکنون به کارتی که فکر می‌کنید کارت من است، رأی دهید.
باقی بازی‌کنان هم رأی خودشان را اعلام می‌کنند.

حالا باید ببینیم کارت هر کس کدام بوده است و هر نفر چند رأی
جمع کرده است.
شماره‌ی کارت انتخابی من ۴ است.
به نظرم این شعر یعنی شهری در آسمان هست که در آن بچه‌های
ده‌ساله مشغول آب‌دادن به شاخه‌های معرفت‌اند تا رشد کنند.

بازی بدین‌گونه است: من یک بیت شعر می‌خوانم یا جمله یا
قصه‌ای می‌گویم، شما و همه‌ی بازی‌کنان به کارت‌هایی نگاه
می‌کنید که در دست دارید. هر کدام را که به نظرتان به شعر یا
جمله‌ی گفته‌شده‌ی من ربطی دارد، انتخاب می‌کنید و بدون اینکه
کسی ببیند به من تحویل می‌دهید.
خب، الان من همه‌ی این کارت‌ها را به هم می‌زنم (بُر می‌زنم) و
سپس تک‌تک روی زمین می‌چینم. شما باید حدس بزنید کدام
کارت از بین کارت‌ها برای من است و با شعر یا جمله‌ی گفته‌شده
تناسب بیشتری دارد.

در این بازی دو نوع می‌توان امتیاز به دست آورد:
اول: به‌قدری باهوشید که سریع کارت‌های منتخب را از بین همه‌ی
کارت‌ها شناسایی می‌کنید.
دوم: به‌قدری زرنگید که کارت دست شما بیشتر شبیه به شعر من
است تا کارتی که خودم انتخاب کرده‌ام و در نتیجه باقی نفرات به
اشتباه به کارت شما رأی می‌دهند.





باشد و احتمالاً اگر در کلاس با بچه‌ها مشغول این بازی شوید، خواهید دید که بچه‌ها چقدر غرق در تصاویر این بازی خواهند شد و دنبال مفهوم و داستان‌سازی برای آن تصویر در ذهنشان خواهند رفت.

خلاصه اگر خواستید مفهومی را غیرمستقیم و البته جذاب به دانش‌آموزان آموزش دهید، یا اگر خواستید درس خود را با یک جذابیت خوب شروع کنید یا دوره کنید، یا اصلاً خواستید اوقاتی را با دانش‌آموزان سپری کنید که در ضمن آن خلاقیت و هوش کلامی افراد ارتقا پیدا کند، این سبک بازی را به شما پیشنهاد می‌کنیم.

می‌توانید تصاویر موردنظر خود را که برای ساخت کارت‌های بازی نیاز دارید، از فضای اینترنت، به‌خصوص اگر مهارت‌های زبان خارجی خوبی دارید، از وبگاه پینترست^۱ بارگیری کنید.

یا می‌توانید بازی‌هایی را که بر اساس همین سبک طراحی شده‌اند تهیه کنید؛ مانند نمونه‌های زیر:

بازی دیکسیت^۲ و بازی دیتکتیو کلاب^۳ دو نمونه از بازی‌های خارجی این سبک هستند (عکس‌های متن از بازی دیکسیت گرفته شده که در اینترنت فایل‌های بازی موجود است). بازی استوژیت و بازی گمانه هم مدل‌های ایرانی این سبک از بازی‌اند.

اگر خود شما هم در این سبک بازی تولیدی داشته‌اید؛ حتماً برای ما بفرستید تا از ابتکار شما باقی آموزگاران هم استفاده کنند. تا یک بازی دیگر خدا نگهدار.

اگر زرتنگ باشیم، قطعاً حدس درست زده‌ایم. در آخر به‌ازای هر حدس درست که شما امتیاز می‌گیرید، من هم امتیاز می‌گیرم. به‌همین‌راحتی یک دور از بازی تمام شد. نوبت نفر بعدی است.



این سبک بازی یک بازی تمام‌عیار برای افزایش خلاقیت و هوش کلامی بچه‌هاست. ترکیبی از دقت در جزئیات و قدرت شنیدن و دیدن تصاویر کارت‌ها که می‌تواند هوش منطقی دانش‌آموزان را افزایش دهد.

این بازی یک بستر خوب برای آموزش مفاهیم ادبی و کلامی هم هست. بسیاری از درس‌های فارسی قابلیت تلفیق با این بازی را دارند. حتی می‌توان به‌عنوان سرگرمی میان‌درسی^۱ از این بازی استفاده کرد. در دوره‌کردن مفاهیم درس‌های فارسی نیز کاربرد دارد.

تصور کنید قرار گذاشته بودیم به‌جای شعر در این بازی فقط داستان بگوییم. آن‌وقت می‌توانستیم، به‌جای شعر سهراب سپهری، یک داستانک بیان کنیم. همین امر یک کلاس داستان‌نویسی بود. با تغییر این قرارها به کلمه، جمله، شعر، قصه یا هر چیز دیگری که فکر می‌کنید به درس‌ها مربوط‌اند، شما می‌توانید یک طرح‌درس جذاب برای کلاس خود با استفاده از این بازی طراحی کنید.

این مطلب مهم یکی از ظرفیت‌های بازی تصاویر کارت‌هاست که خیلی نرم و آهسته و آرام می‌تواند منتقل‌کننده‌ی مفاهیم جذاب

س؛ سحر خیزی را شروع کنید

در نخستین روزهای آغاز سال تحصیلی، به دلیل آنکه مدتی فعالیت نداشته‌اید، احتمالاً خستگی بیشتری را احساس خواهید کرد. همچنین شاید به سبب ایام تعطیلات عادت کرده‌اید شب‌ها دیرتر بخوابید، از این‌رو، برای کسب آرامش و نشاط بهتر است یک ساعت زودتر به رختخواب بروید و یک ساعت زودتر از خواب برخیزید. یکی از نشانه‌های موفقیت و بهترین گزینه‌ی سبک زندگی سالم سحر خیزی است. از نشانه‌های مهم سلامت روان خواب مناسب است که باید هم کیفیت و هم مدت زمان آن در نظر گرفته شود. لذا سعی کنید خودتان، خانواده و دانش‌آموزانتان را ترغیب به خواب مناسب کنید. به یاد داشته باشید وجود مشکل در کیفیت خواب اولین علامت دور شدن از سلامت روان است و در غالب بیماری‌های روانی این اختلال خودش را نشان داده می‌دهد.

پ؛ برنامه‌ریزی کنید

اگر شب زودتر خوابیده باشید، به احتمال زیاد صبح زودتر بیدار می‌شوید و فرصت بهتری برای مدیریت و برنامه‌ریزی کارهای روزانه را خواهید داشت. برای رسیدن به سبک زندگی سالم برنامه‌ریزی کنید. یکی از اصول مهم موفقیت نوشتن و ثبت فعالیت‌های مهم و ضروری و اختصاص زمان برای اجرای آن‌هاست. برای فعالیت‌های تدریس، ارزشیابی، تکالیف و... برنامه‌ریزی کنید تا بهترین نتیجه و بازخورد را دریافت کنید.

ک؛ کنکاشگر باشید

جست‌وجو و تلاش در راه کشف واقعیت به شما کمک می‌کند تا هم یک دانش‌آموز باشید و هم معلم و الگویی برای دیگران. هر روز آمادگی کسب تجربه، یادگیری و پویایی باشید. از تجربیات و اتفاقات جدید استقبال کنید و آن‌ها را فرصتی برای آموختن در نظر بگیرید.

م؛ مطالعه کنید

برای جوان ماندن فکر و ذهن مطالعه کنید. معلم‌ان اهل مطالعه دانش‌آموزان

مطالعه‌گر پرورش می‌دهند. کتاب‌های انتشار یافته در حوزه‌ی کودک و نوجوان را بخوانید و به دانش‌آموزان نیز معرفی کنید. از مطالب آن کتاب‌ها در درس‌های متعدد بهره ببرید. به عنوان بخشی از تکالیف و فعالیت‌های درسی، دانش‌آموزان را ترغیب به مطالعه کنید.

ه؛ همدل و پذیرا باشید

همدلی به معنای درک روان‌شناختی دیگران و نگاه کردن به دنیا از دریچه‌ی چشم آنان است؛ اما برای رسیدن به سبک زندگی سالم شایسته است ابتدا با وجود خویش همدلانه رفتار کنید. اشتباهات خویش را ببخشید و از آن‌ها درگذرید. خویشتن خویش را همان‌گونه که هستید دوست داشته باشید تا بتوانید با دیگران نیز همدل باشید.

ر؛ رصد خویشتن را آغاز کنید

یکی از عوامل موفقیت خودارزیابی و رصد کردن خویشتن است. به مدت

سبک زندگی مهرورزانه



م‌ر ت‌ض‌ی ف‌اض‌ل، اس‌ت‌اد د‌ان‌ش‌گ‌اه

مهرماه آغاز بهار دانش است و معلمان عزیز، پس از یک وقفه و تعطیلی، سال تحصیلی جدید را آغاز می‌کنند. آغاز سال تحصیلی جدید نیازمند تغییر و تحول در سبک زندگی فردی، خانوادگی و شغلی است. سبک مهرورزانه ترکیبی از راهکارهای ارزنده‌ای است که می‌تواند در آغاز سال تحصیلی هم سلامت روانی شما را تضمین کند و هم بهره‌وری، نشاط و خلاقیت شما را افزایش دهد. در ادامه مؤلفه‌های این سبک ارائه می‌شود. توجه داشته باشید، این مؤلفه‌ها بر اساس حروف عبارت در «سبک مهرورزانه» نام‌گذاری شده‌اند.

آیندازی

مهرماه
دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱ | ۱۴۰۱

۴۴



چند هفته همه‌ی فعالیت‌های روزانه‌ی خویش را مشاهده و یادداشت کنید. بسیاری از رفتارهای نامناسب پس از رصدکردن خویشتن کاهش پیدا می‌کند و برعکس با مشاهده و ثبت رفتارهای مناسب میزان آن‌ها به‌راحتی افزایش می‌یابد؛ مثلاً اگر بیش از حد برای تماشای برنامه‌های تلویزیون وقت می‌گذارید یا در فضای مجازی سیر می‌کنید، در صورتی که تمایل به کاهش این زمان داشته باشید، می‌توانید با ثبت ساعات‌هایی که این فعالیت‌ها را انجام می‌دهید، کم‌کم به خودآگاهی برسید و میزان آن‌ها را کاهش دهید.

و؛ ورزش کنید

سعی کنید هر روز، حتی به‌مدت چند دقیقه، ورزش کنید. بخشی از زمان آغازین کلاس‌های روزانه یا در زمانی در میانه‌ی روز را با ورزش کردن همراه با دانش‌آموزانتان بگذرانید. ورزش هم موجب سلامت جسم می‌شود و هم آرامش و نشاط روح را به‌همراه دارد.

ر؛ رشدنگر و رشدافزا باشید

به رشد و تربیت توانمندی‌های خویش بپردازید. افراد رشدنگر و رشدافزا هم به تربیت خویش و هم به تربیت دیگران بها می‌دهند. اگر توصیه‌ای به دانش‌آموزان می‌کنید، ابتدا خودتان عامل آن باشید. سعی کنید هر روز یا هر هفته موضوع و مطلب جدیدی را فرا بگیرید و بلافاصله آموخته‌های خود را به کار ببندید.

ز؛ زیباندیش و مثبت‌نگر باشید

زیباندیشی یعنی از جنبه‌های مثبت زندگی تان غافل نشوید. اجازه ندهید خطرات، آسیب‌ها و نکات منفی زندگی خوشبختی‌های بزرگ را از چشم شما پنهان کنند. زندگی پر از زیبایی‌هایی است که می‌توان آن‌ها را در خلال سختی‌ها، رنج‌ها و موارث‌ها پیدا کرد. مثبت‌نگر بودن یعنی به همان اندازه که به مصیبت‌ها و سختی‌ها توجه می‌کنید، به همان اندازه شادی‌ها، امیدها، موفقیت‌ها و نعمت‌ها را هم ببینید و شکر گزار باشید.

ن؛ نواندیش و نوگرا باشید

نواندیشی باعث دورشدن از گرداب تعصب و خرافات است و باعث می‌شود تا خلاقیت شما رشد پیدا کند و انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشید. یادگیری و کسب نرم‌افزارها و فناوری‌های نوین را در دستور کار خویش قرار دهید. نواندیشی و نوگرایی اطلاعات و دانش شما را به‌روز می‌کند و رشد و تعالی وجودی خود و شاگردانتان را افزایش می‌دهد.

ه؛ هدف‌گزار و هدایت‌گر باشید

اهداف خود را به وضوح و روشنی مشخص کنید. آن‌ها را یادداشت کرده و در معرض دیدتان قرار دهید. به شاگردانتان کمک کنید تا آن‌ها نیز اهداف مشخص، جزئی، کاربردی، دست‌یافتنی و ارزشمندی انتخاب کنند. تصریح اهداف موجب هدایت و تعالی شما می‌شود. فراموش نکنید وظیفه‌ی شما فقط انتقال دانش نیست. شما تسهیل‌کننده و هدایت‌گر یادگیری و تربیت دانش‌آموزان هستید.

الف؛ به احساساتان توجه کنید؛ ولی از ارزش‌هایتان پیروی کنید احساساتان را بشناسید. از آن‌ها دوری نکنید؛ اما در آن‌ها گرفتار و غرق نشوید. بی‌توجهی به احساسات و عواطف و پرهیز از آن‌ها موجب می‌شود قدرتشان چند برابر شود و گاهی افراد را آن‌چنان گرفتار سازد که حتی عقل و منطقشان را هم آلوده سازد. داشتن احساسات نامطلوب و آزاردهنده به‌تنهایی آسیب‌رسان نیست، بلکه اصیل‌دانستن احساسات و گرفتار آن‌ها شدن موجب آسیب و اختلال می‌شود. احساسات همانند ابرهای بهاری در گذرند و شایسته است ارزش‌هایتان را اصیل و ماندگار بدانید. لذا اگر چه لازم است به احساسات بها داد، بهتر آن است که رفتار و برنامه‌ی زندگی بر اساس ارزش‌ها باشد. ارزش‌هایتان را بشناسید. آن‌ها را اولویت‌بندی کنید و همه‌ی رفتارها، تصمیمات و فعالیت‌های مهم زندگی تان را بر اساس ارزش‌هایتان قرار دهید.

مجلات رشد

دانش آموزی ابتدایی

محمد رضا رشیدی

عضو شورای برنامه ریزی مجلات

دوره‌ی ابتدایی رشد



با توجه به لزوم تحول در روش‌های به کار گرفته شده در تعلیم و تربیت رسمی و همچنین نقش مجلات رشد، به عنوان منبعی آموزشی برای استفاده در کلاس‌های درس، قرار شد در قسمتی از مجلات کودک، نوآموز و دانش آموز طرح جدیدی ارائه شود. در این طرح بخشی از مجله طرح درس‌های اختصاصی غالباً تلفیقی و ناظر به محتوای کتاب‌های درسی در هر پایه را مطرح می‌کند. دانش آموز طرح درس‌ها را می‌خواند و با توجه به ارجاعاتی که در آن آمده است، به کتاب‌های درسی مراجعه می‌کند و فعالیت‌های مربوط را انجام می‌دهد. در اکثر موارد، تلفیق می‌تواند حول یک داستان غنی و جذاب یا یک بازی اتفاق بیفتد. یک طرح یادگیری تلفیقی به اهداف و ساحت‌های

و فقط روش مؤثری است که می‌توان از آن بهره برد. همچنین این طرح درس‌ها می‌توانند زمینه را برای ایجاد نگرش‌های لازم برای طراحی طرح درس‌های تلفیقی در مربیان فراهم کنند.

نکته‌ی مهم دیگر در مورد مجلات کودک، نوآموز و دانش آموز ارتباط معنایی واحد (پی‌رنگ) بین قسمت‌های متعدد مجله است. تلفیق بین موضوعات و قسمت‌های گوناگون مجله باعث می‌شود تا دانش آموزان ضمن یادگیری مفاهیم و موضوعات متعدد در قالب‌هایی مانند شعر، قصه، داستان، سرگرمی و... در مرتبه‌ای بالاتر با مفاهیمی کلی‌تر مانند ارزشمندی نعمت‌های خدا (مثل آب)، مهربانی، ظلم‌ستیزی و... آشنا شوند.

قرار است، به منظور تبیین بهتر این اتفاق، برای مربیان محترم در هر شماره قسمتی از مجله به توضیح بیشتر این فعالیت‌های تلفیقی اختصاص داده شود تا با مطالعه‌ی آن و آشنایی با اهداف و موضوعات تلفیق شده در طرح یادگیری مورد نظر، امکان استفاده‌ی بهتر از آن در کلاس فراهم شود. همچنین خود معلمان محترم نیز بتوانند از این طریق طرح درس‌های تلفیقی خود را مهیا کنند.

گوناگون می‌پردازد. تفکیک و مرزبندی قاطعی بین حوزه‌های متعدد علوم و وجود ندارد ارتباط این حوزه‌ها و ساحت‌ها بیشتر در مسیر طبیعی زندگی، حول یک ماجرا، برای حل یک مسئله و... برای متربی آشکار می‌شود. تلفیق صحیح محتوا می‌تواند بستر مناسبی برای رسیدن به اهداف مهم تربیتی باشد. اهم اهداف به این قرار است:

۱. دانش آموز با کاربرد و فایده‌ی محتوای کتاب‌های درسی مواجه می‌شود.
 ۲. در فرایند کاربرد می‌شود محتواها، دانش آموز به سمت تولید یک خروجی یا دستیابی به نتیجه‌ای مفید هدایت و در او انگیزه‌ی درونی ایجاد می‌شود و توان عاملیت وی را افزایش می‌دهد.
 ۳. در فرایند هدفمند شدن و دیدن فایده‌ها و حکمت‌ها، بینش دانش آموزان دربارہ‌ی بیهوده نبودن خلقت رشد پیدا می‌کند و توان عاملیت آن‌ها نیز در سازنده و مؤثر بودن در مسیر خیر افزایش می‌یابد.
 ۴. در این مسیر، رغبت و علاقه به یادگیری در دانش آموز ایجاد می‌شود.
- در برخی موارد این اهداف می‌توانند، با تلفیقی ساده یا بدون تلفیق، تحقق بهتری داشته باشند. بنابراین استفاده از تلفیق اصالت ندارد

مجلات رشد مهر ماه

تصمیم بر آن شد، برای هر سه مجله‌ی کودک، نوآموز و دانش آموز، از شماره‌ی آبان ماه طرح یادگیری تلفیقی داشته باشیم. در شماره‌ی مهر ماه سعی کردیم با نوشتن موضوعات گوناگون در قالب‌های متنوع، حول یک یا چند مفهوم مشترک، شبکه‌ی ارتباط معنایی برای دانش آموزان ایجاد کنیم. این مفاهیم مشترک در هر مجله به این شرح است:

- **مجله‌ی رشد کودک مهر ماه:** پیامبر اعظم (ص)، مهربانی، آغاز سال تحصیلی جدید.
- **مجله‌ی رشد نوآموز مهر ماه:** پیامبر اعظم (ص)، خیرخواهی، برکت.
- **مجله‌ی رشد دانش آموز مهر ماه:** پیامبر اعظم (ص)، احترام به والدین، قدردانی.

از شما عزیزان نیز درخواست می‌کنیم تا با فرستادن نکات، نقدها و نمونه‌ی طرح درس‌های تلفیقی خود به مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز در رشد و ارتقای این طرح جدید سهیم باشید. قدردان توجه شما هستیم.



آبازاری

مهر ماه
دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱ | ۱۴۰۱

۴۶



مهرتان ماندگار!



رها نصیری، آموزگار پایه ششم ابتدایی، استان زنجان

گویی همین دیروز بود. بچه‌ها با مدرسه خداحافظی کرده بودند تا به استقبال تابستان و تعطیلات بروند. همان روزهایی که کودکانه‌هایش، به‌خاطر جدایی از معلم و دوستان، با اشک چشم رقم می‌خورد و نوجوانانه‌هایش با خنده‌های اشک‌آلودی که نمایانگر احساسی لطیف بودند.

و اما حالا مهرماه است؛ ماهی که در آن، بار دیگر «آغاز» معنا می‌یابد و درهای امید گشوده می‌شود تا امیدآفرینان گرد هم آیند و باغبان اندیشه بدر زندگی در جان‌ها بکار.

یازده سال است که مهرماه برایم حال و هوای متفاوتی دارد؛ چون از نگاه یک معلم آن را می‌بینم و خودم را آماده می‌کنم تا دانش‌آموزان جدیدم، این امانت‌های ارزشمند، را بشناسم و با آنان زندگی کنم. شاید بتوان گفت مهرماه امسال فرصتی برای آغازی پربارتر و البته متفاوت‌تر است؛ چراکه بعد از بیش از دو سال، سایه‌ی کرونا کم‌رنگ شده و با آرامش بیشتری می‌توانیم در آغوش کلاس باشیم. فروردین‌ماه سال ۱۴۰۱ برای دانش‌آموزان و معلمان بسان مهرماه بود. بعد از مدتی طولانی، همه‌ی دانش‌آموزان می‌توانستند در کلاس درس در کنار هم باشند. بیاموزند و زندگی کنند. دو ماه پایانی سال تحصیلی گذشته، گویی فرصتی طلاگونه بود برای دانش‌آموزان و معلمان که همگی آن

را قدر می‌دانستند و حالا خداوند را شاکریم که فرصتی دیگر برای باهم‌بودنمان فراهم آمده است و امید داریم بار دیگر مدرسه‌ها با حضور دانش‌آموزان جان و طراوت بگیرند.

خوشا به حال مدارس که دوباره باصفا می‌شوند و خوشا به حال خیابان‌ها که بار دیگر حضور کودکان و نوجوانان روح‌امید را به آن‌ها خواهد بخشید!

کرونا در دو سال اخیر، برای همگان روزگاری سخت و طاقت‌فرسا رقم زد؛ اما شرایط دانش‌آموزان و اولیایشان و نیز معلمان در نوع خود خاص بود. به‌ویژه وقتی که امکانات لازم برای آموزش در دسترسشان نبود و نگرانی‌شان چند برابر می‌شد.

خوب است ما معلمان فراموش نکنیم، از ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۸ تاکنون، کرونا تعدادی از دانش‌آموزان را به عزای عزیزانشان داغدار کرده است. فراموش نکنیم امکانات همه‌ی دانش‌آموزان و حتی مدرسه‌ها برای بهره‌گیری از آموزش مجازی هم‌سان نبوده است. فراموش نکنیم، در دو سال اخیر نسبت به گذشته، اولیا نقش مهمی در آموزش دانش‌آموزان داشته‌اند و سطح علمی و آگاهی آن‌ها برای همراهی فرزندان‌شان یکسان نبوده است؛ بنابراین سال تحصیلی جدید صبوری بیشتری از معلمان می‌طلبد. اگر سطح علمی دانش‌آموزی در حد انتظارمان نبود، به او یا همکارانمان که در دو سال گذشته معلمش بوده‌اند اشکال نگیریم و سعی کنیم نواقص را با صبوری برطرف سازیم. در کنار همه‌ی این ملاحظات، مثل همیشه تفاوت‌های فردی را به رسمیت بشناسیم و در نظر داشته باشیم که این فرشته‌های زمینی هر کدام از مسیر مخصوص به خود به آسمان می‌رسند.

حالا دیگر هم معلمان و هم دانش‌آموزان در زمینه‌ی سواد رسانه و فناوری تا حد زیادی مجهز شده‌اند. چه نیکو خواهد بود از این سواد و آگاهی برای خلق روش‌های جدید تدریس بهره بگیریم، آموزش حضوری را جذاب‌تر و مؤثرتر کنیم و دامنه‌ی آن را بیش از پیش گسترش دهیم. با برنامه‌هایی هدفمند و کارشناسی‌شده آموزش‌هایمان را به مهارت‌هایی برای زندگی در شرایط گوناگون گره بزنیم و این‌گونه علم و دانایی و شهروند شاد و متمدن بودن را در وجود نونهالانمان بپرورانیم.

امروز شعار «ما به انسان‌های شاد نیاز داریم، نه به دانشمندان» به مذاق‌ها خوش آمده است؛ اما اگر این شعار به باور جامعه تبدیل شود، همان‌طور که امروز از کمبود انسان شاد رنج می‌بریم، دیری نخواهد گذشت که از کمبود دانشمندان رنج خواهیم برد. هم‌اکنون هم آن‌قدر توانا نیستیم که دانشمندانمان را به‌عنوان سرمایه‌های کشور حفظ کنیم؛ ولی با این شعار از همین بضاعت اندک هم خالی خواهیم شد. بنابراین حالا بیش از همیشه نیاز داریم دانش‌آموزانمان را در همه‌ی ابعاد رشد دهیم و از هیچ بُعد زندگی انسانی غافل نباشیم. بیایید باور کنیم که بچه‌ها در مدرسه زندگی می‌کنند و کتاب و علم و دانش بخشی از آن است، نه همه‌ی آن.

اول مهر، آغاز کشت و زرع است که باید در همه‌ی ابعاد وجودی دانش‌آموزان صورت بگیرد؛ بذر انسانیت، تعهد، شادی، مسئولیت‌پذیری، مهربانی، صبوری، علم، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، صلح و همه‌ی ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی باید به‌نحو مقتضی در دل و جان فرزندان این سرزمین شکوفا شود و این میسر نخواهد بود جز با توانمندی و باور و ایمان معلمان و خانواده‌ها به این اصول اساسی.

باشد که تلاش و مهربانی عصاره‌ی همیشه‌ی جانمان باشد و «مهر» برایمان نه آغازی دوباره، بلکه فرصتی برای یادآوری علم و انسانیت و در یک کلام زندگی باشد؛ چراکه روح «مهر» در همیشه‌ی زندگی‌مان جاری است.

یاد معلمانی که نور مهر و امید را در دل دانش‌آموزان این مرز و بوم روشن می‌کردند و کرونا آن‌ها را از ما گرفت، برای همیشه سبز است و داغ دانش‌آموزانی که قربانی این ویروس شدند، در دل‌ها باقی است. مهرتان ماندگار!

ابتدایی

مهرماه

دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۱ | ۱۴۰۱

۴۷



عکاس: پویا بیات

ردای معلمی



اعظم لاریجانی

فرآیند تدریس می‌تواند تحت تأثیر شخصیت، دانش، نحوه‌ی ادراک، گفتار و رفتار معلم، کارآمد یا غیر از آن باشد. معلمان مؤثر همواره تأثیر چشمگیری در زندگی دانش‌آموزان خود می‌گذارند. همان‌ها که ردای معلمی می‌پوشند و به معلمی نه فقط به چشم شغل بلکه به مثابه سبک زندگی نگاه می‌کنند. آن‌ها فقط ارائه‌کننده‌ی دانش نیستند، بلکه به دانش‌آموزان خود کمک می‌کنند با وجود همه‌ی محدودیت‌هایشان به نسخه‌ی بهتری از خود تبدیل شوند. آن‌ها مصمم‌اند درس‌های مهم و اساسی زندگی را به کودکان آموزش دهند و بر هر جنبه‌ای از زندگی‌شان تأثیر بگذارند. چنین است که می‌کوشند تا علاوه بر دانش، مفاهیم دیگری مثل ارزش‌های زندگی، سنت‌ها، کنترل احساسات، همکاری با دیگران و... را نیز به دانش‌آموزانشان منتقل کنند تا آن‌ها به خودشکوفایی برسند. با درک دانش‌آموزان و شناخت مهارت‌ها و استعدادهایشان، تجزیه و تحلیل رفتارهای فردی، آن‌ها را افرادی خلاق، مستقل، آگاه و مطمئن بار می‌آورند. این کار آسانی نیست؛ ولی کارهای سخت از معلمان بزرگ بر می‌آید. چنین معلمانی از حداکثر ظرفیت خود برای آموزش استفاده می‌کنند. آنان مدام در نقش‌های گوناگون ظاهر می‌شوند تا به نتیجه‌ی دلخواه برسند: گاهی مربی‌اند، گاه پدر یا مادر و گاهی دوست و همراه. چنین معلمانی خود مجهزند به مهارت‌های شخصی مثل همکاری، انعطاف‌پذیری، سواد سلامت، خلاقیت و... در واقع هرچه در دل دانش‌آموزان می‌کارند، بذرش را از وجود خویش برداشته‌اند. اگر برقراری ارتباط را به کودکان می‌آموزند، پیش از آن این ویژگی را در خود تقویت کرده‌اند. اگر سازگار و همدل‌اند، دانش‌آموزان این خصوصیت را در او می‌بینند و الگوبرداری می‌کنند. اگر کودکان را ترغیب می‌کنند تا بهتر گوش بسپرنند، خودشان نیز شنوندگان خوبی هستند.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی



فراخوان دوازدهمین جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری شرکت

موضوعات جشنواره در گروه‌های سنی:

الف) هنرمندان بزرگسال:

۱. مدرسه، خانه دوم

محورها:

الف) موقعیت‌های متنوع تربیتی (مناسبت‌ها، مراسم، اردوها و جشن‌ها)؛
ب) اتفاقات و رخدادهاى جالب مدرسه

۲. نهاد خانواده

محورها:

الف) مدرسه و خانواده؛ ب) مسجد و خانواده؛ ج) مدرسه، مسجد و خانواده.

۳. کتاب درسی

محورها:

بازآفرینی تصویری: الف) قصه‌ها، شعرها و...؛ ب) فعالیت‌های علمی؛
ج) سرزمین پرگهر ایران (بناهای تاریخی، مناسبت‌های ملی و دینی،
محیط زیست، حیات وحش، طبیعت، آیین‌های قومی و منطقه‌ای و...).
نکته: رویکرد جشنواره، استفاده مناسب از آثار برگزیده در تکمیل
بسته‌های تربیت و یادگیری وزارت آموزش و پرورش است.

۴. بخش جنبی

۱. شعر سال (تولید؛ دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین).

۲. مهدویت.

ب) هنرمندان دانش‌آموز:

۱. آزاد

۲. کتاب‌های درسی. تمام موضوعات و رخدادها در همه گونه (ژانر)های
عکاسی و تصویرسازی که مستقیم یا غیرمستقیم با کتاب‌های درسی ارتباط
داشته باشند.

نشانی دبیرخانه جشنواره

تهران، خیابان انقلاب، خیابان بهار، خیابان سمنان، پلاک ۸
برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه جشنواره به نشانی
www.roshdmag.ir مراجعه کنید یا با شماره
۷۷۶۰۶۸۵۸ تماس بگیرید.



مربوط به مقررات را دریافت کنید
با پوشش رمزینه مقاله، اطلاعات



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از عکاسان و
تصویرگران سراسر کشور برای شرکت در دوازدهمین جشنواره
ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد دعوت به عمل می‌آورد.
این جشنواره از تصویرگران و عکاسان محترم دعوت می‌کند
با نگاه خلاقانه خود، بر اساس موضوعات جشنواره، لحظاتی
به یادماندنی و تأمل برانگیز را به تصویر بکشند و با هنر خویش
دریچه‌ای نو به روی مخاطبان بکشایند. نگرش اندیشمندان و آثار
هنرمندانه شما غنابخش جشنواره خواهد بود.

محورهای برشمرده این دوره از جشنواره، بر فضاسازی
مدرسه‌های امروزی، روش‌های نوین آموزشی و نیازهای
تصویری مجلات رشد، کتاب‌های درسی و عموم منابع آموزشی
و تربیتی تمرکز ویژه دارند. عکاسان و تصویرگران می‌توانند در
دو گروه سنی در این جشنواره شرکت کنند:

۱. هنرمندان بزرگسال: الف) عکاسان و تصویرگران حرفه‌ای؛ ب) معلمان و مربیان.

۲. هنرمندان دانش‌آموز: دانش‌آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله.

تبصره: معلمان و مربیانی که در سمت‌های اداری آموزش و
پرورش هستند، مشمول گروه ۱ (ب) می‌شوند.